

بقدر وسع وطاعت خود در مدال آن جدو جهد نماید و با همین نیت است که این قسم را بزبان جاری خواهم نمود و در حال با تمام قوای خود در راه خدمت بوطن و دولت و ملت و تقویت اساس مشروطیت کوشش خواهم داشت و اینکه بعضی عبارات قسم نامه با عدم اختیار سلطنت متعصب نیست محل اعتراض نخواهد بود زیرا که هیچ قانونی راجع قوانین آسمانی و لوازم الاطاعه هم باشد نمی توان تصور نمود و این همان وجود مجلس شورای ملی است که وظیفه آن نه تنها وضع قوانین جدید بلکه تکمیل قوانین هم هست.

اما انتظارات من از این قرار است در صورتی که معلوم است تمام اختیار و مسؤلیت امور مملکت معنأ و صورنأ با مجلس وزراء است در حال حالیه مملکت که بر همه کس معلوم است و حاجت باظهار نیست متوقم مجلس شورای ملی و هیئت وزراء فقط نظر خود را بصالح حالیه مملکت دوخته با جد و جهد فوق العاده و همتی بلند با مراعیت و ملاحظت خاصانه حقیقی باینکدیگر در اصلاح امور بکوشند و لایحه نیست این فرقه را با نظر نشان کنم که پس از استقرار مشروطه ثانی بناداشتن مانع تاکنون بقدر انتظار و آرزوی ملت در آسایش و شادانی قلوب نتیجه شایانی از زحمات همگی حاصل نشده بواسطه اختلافات و تقاضای بین الاحزاب و الاشخاص بوده که آنهم بر احدی پوشیده نیست امیدوارم چنانکه خوشبختانه علامات آن روز بروز واضح و آشکار میشود از این بعد برخلاف ما سبق این اختلافات مبدل بوقایع و مساعدت برادرانه شود در امور صورت اصلاح پذیرفته و در حصول مقاصد ملت عایقی باقی نماند و اقدامات از نعمت آسایش و سعادت و ترقیاتی که برای ملل متبذنه در تحت حکومت مشروطه و بین آزادی حقیقی حاصل است بهره مند شوند.

اما انتظار من از سایر طبقات اول از اشخاص است که بتوانند بصدر خدمت دولتی شوند و متأسفانه از کار گزاره جوئی میکنند چنانکه بر همه کس معلوم است قبل از زمان مشروطیت اشخاص با شوق و ولع برای تحصیل مشاغل دولتی و امتیازات و اعتبارات صورتی سامی بودند و حالا از قبول خدمت احترام میجویند و حال آنکه امروز مملکت بیشتر بخدمت ابتاه خود محتاج است و وائما خدمت امروز عالم انسانیت افتخار حقینی دارد.

اما انتظار از افراد ملت این است که باید بدانند مجلس مرکب از وکلای است که خودشان انتخاب کرده اند و مجلس باید آینه افکار و مظهر احتیاجات آنها باشد و هیئت دولت نیز از روی قوانینی که وضع میشود در تحت نظارت خود مجلس تصدیق امور می گردد بنا بر این اطاعت احکام دولت را باید با یک شغف و انقیاد قلبی بر خود فرض بدانند و قولا و عملا هر کس بقدر قوه خود مقوی اجرای اراست دولت باشد و درست ملتفت شوند که هر سابق ملت ایران حکومت بوده و احکام جبراً بر آنها جاری میشد و در مشروطه حکومت منسوب بخود ملت است و باید بطریق خاطر موافق قانون مطیع احکام حکومت خود باشد و مخصوصاً کسانی را که قولا یا عملا

مانع اجرای اوامر دولت میشوند دشمن ملت بشمارند اگر هم عاصی در مملکت پیدا شود باید بدانند که امروز قوت دولت تمام ملت است و در مقابل آن مقاومت نمی توان کرد.

در آخر کلام خود اظهار میدارم که تمام امیدواری و قوت روحانی من به همراهی و مساعدت همه شما در اصلاح امور مملکت است و باین امید خود را دلغوش میدارم خلاف آن را فرض هم نمی کنم ولی برای اینکه حرفی گفته نشده نماند مجبورم که این نکته را هم بیان کنم چنانچه در بنادداشت خود راجع بعضی احزاب سیاسی بیان کرده ام و در مجلس قرائت شده اگر خدای نکرده از اختلافاتی که تاکنون صورت تقاضت و دشمنی پیدا کرده بود مجدداً عداوتی ظاهر شود و به نتیجه امور پیشرفت نسبند با خدای نکرده بر اختلال امور می افزاید بوجوب همین قسم که یاد خواهم کرد ضمیر من بلکه ضمیر هر صاحب وجدانی حکم و تصدیق خواهد نمود که نباید در این مقام نشسته شایه همچو حال ناگواری باشم بقیه است اقدامات که صاحبان وجدان باک هستند این مطلب را قبلاً تصدیق کرده در چنان موقعی که امیدوارم پیش بیاید بامن همراه هم عقیده بوده بر کاره جوئی من خورده نخواهند گرفت زیرا که بر تکلیف شرعی و عقلی خود و صلاح مملکت عمل کرده ام و امیدوارم این جلب نظر بمعاذ امور مورد اعتراض احدی نشود زیرا که اصلاح بر نکات مهمه مملکتی در داخله لازم و اساس خوشوقتی است که از افراد پرده پوشی نشده در خارج هم عقلا هستند هر قدر به بینند بمعاذ امور ملتقت هستم بیشتر امیدوار خواهم بود که در صد اصلاحات خواهم بر آمد و بالعکس اگر پرده پوشی کنیم تعجب خواهند داشت که چگونه با قبول حکومت ملی امورا از ملت مکتوم می داریم.

و ایندو نوع را منتهم شمرده نکته مهمی را که مستلزم صلاح عموم و وسیله حصول تمام آمال ملت است مرگوز اشخاص و قلوب میدارم در مملکت مشروطه معارف ملت بدست خودش است و کلیه این سعادت حق انتخاب و کبیل است که با شرایط انانوی بملت داده شده باید همه افراد بدانند وضع قوانینی که اسباب آسایش و نظم و معاش و سعادت است و نیز نظارت اجرای آن قوانین بسخت همان وکلای است که باید خود ملت در موقع انتخاب تعیین کنند پس اگر فرضاً امری برخلاف آرزوی ملت جاری شود تقصیر و ملامت آن بر افراد ملت واقع خواهد شد که چرا در موقع انتخاب حاضر نشده بادر انتخاب و کبیل دقت نکرده اند و علاج بلا بصالح این است که دارندگان انتخاب حق انتخاب بی مسامحه و بالاتفاق در موقع تعیین و کلا حاضر شده اشخاص را که قبل از وقت بعد از مراقبت و دقت تمام موافق میل و مذاق خود در نظر گرفته و مطمئن هستند که آن اشخاص صفت دانش و امانت دارند میتوانند نماینده افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شود برای وکالت خود انتخاب نمایند در این صورت قطع حاصل است که مجلس شورای ملی آینه و مظهر حقیقی افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شده امری برخلاف آرزوی ملت جاری نخواهد شد و من در خاتمه این تصاحب غیر خواهانه خود هموطنان را از حالاکه قریب شش ماه بوقوع انتخابات جدید مانده باین نکته دعوت می نمایم که تا موقع انتخاب از حالا مهابدی حق انتخاب بوده و بلا شبهه

جلسه ۲۲۰

صورت مشروح مذاکرات ۳ شنبه

پنجم شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۹  
مجلس دو ساعت و ده دقیقه قبل از غروب به ریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل شد.

**آقای معاضد الملک** - صورت مجلس یوم پنجشنبه صلح شهر صفر و شنبه فرغ ربیع الاول را قرائت کردند (اسامی قضایین جلسه پنج شنبه صلح شهر صفر).

**آقایان معاضد السلطنه** - حاجی وکیل الرعایا بدون اجازه و آقایان مومن الملک و حاج آقا و سیددار اعظم - مشیرالدوله - آقای میرزا ابراهیم قمی با اجازه و آقای آقا شیخ محمد حسین یزدی بموقع مقر حاضر نشدند.

**نایب رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه ای هست؟

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - بنده روز پنجشنبه کسالت داشتم و اجازه خواسته بودم در صورت مجلس بنده را غائب نوشته اند.

**معاضد الملک** - غائب با اجازه نوشته شده بود التماس نفرمودید.

**آدیب التجار** - بنده تقاضا کرده بودم در باب کسر عدت کمیسیونها که در جلسه آنها انتخاب

شود و قرار شد فید خود جزء دستور شود حالا در دستور فید نشده است.

**نایب رئیس** - جزء دستور هست ملاحظاتی دیگری نیست؟ (اظهاری نشد)

(صورت مجلس را امضا کرده اند.)

**سلیمان میرزا** - در اوائل دولت جدید هنگامیکه لایحه استعاضی بمجلس پیشنهاد شده بود بآن شرایطی که هیئت دولت که تکرر میکردند و هنوز معلوم نبود که تکلیف او چه خواهد شد از اطراف ولایات تمام اهالی اظهار حساسیت خودشان را کردند و از داخل و خارج عرایض کتباً و تلگرافاً از تمام نقاط بمجلس هر چه شد وحسن طلب شد در اینکه هر قسم مالیات دولت بخواهد در عوض این استعاضی تحمیل بکنند حاضر هستیم برای قبول کردن در آنوقت لایحه از طرف وزارت فواید عامه يك تقاضائی شد در موضوع نمک و در مجلس هم اصلاحی شد که يك من دهشاهی مالیات بسته شود و ظاهر آ آقای حاج وکیل الرعایا بود که پیشنهاد کردند که مقالی يك دینار بگیرند و بآن ترتیب عمل شد امروز وقتی که می بینیم بآن عمل شده است خیلی از ممالکی که آنوقت هم بمضی اظهار میکردند مثل اینکه آقای معز الملک اظهار میکردند پیدا کرده یعنی نمکی که از خارجه می آورند اگر سابقاً سی هزار خردار وارد میشد حالا چون مالیات نمک زیاد شده است و این تحمیل شده است که حالا پنج برابر سابق نمک از خارجه وارد میشود حتی در تبریز اشخاصی هستند که نمک وارد میکنند و در همانجا ده شاهی می فروشد در صورتی که دولت يك قران از سر معین میکرد و معلوم است که در این موقع نمک داخلی فروش نی رود و سبب این می شود که نمک خارجه زیاد وارد میشود و مطابق است باستیک این عمل که بنده خوانده ام اگر برای دولت ما دو بیست هزار تومان فایده کرده از برای تجارت سنک خارجه سیصد چهارصد هزار تومان فایده کرده است یعنی باین ترتیب يك مالیاتی از برای متاع داخله در مقابل متاع خارجه معین شده و آنها متاعشان بیشتر بفروش میرسد بنا بر این شعبه پارلمانی فرقه دموکرات این پیشنهاد را کرده اند که این مالیات نه حذف شود و کاملاً برداشته شود و چون اگر این مالیات برداشته شود عایدی دولت تمام خواهد شد و در ازای این محل باید يك مجلس دیگری احداث کرد که مالیات او کفایت بکند با این مالیاتی که میگرفتند عقیده فرقه دموکرات و وکلای آنها این است که لایحه مالیات مستغلات در زمان و نوبت الدوله پیشنهاد شده و طبعی توزیع هم شده و در جیب و بش هر يك از نمایندگان است و همینطور مانده تقاضا می کنند که او را عوض این مالیات که حذف می شود در مجلس بگذرانند و محل آن کسر بودجه را که از حذف این مالیات حاصل می شود ببخشند و این مالیات که وضع شد غالباً بر ضعیفان و فقرا حمل شده است بملایه ترتیب اداره کردن از خیلی مشکل است بملایه يك تعدیلی بر اوراق عمومی است اما مالیات مستغلات در حقیقت مالیاتی که بر املاک وضع می شود هر کسی که ملک دارد این مالیات را باید بدهد و

فقره کاملاً از این مالیات مستثنی خواهند بود فقط تحمیل بر متولین است بنا بر این این پیشنهاد شده است از طرف شعبه پارلمانی حزب دموکرات که آن مالیات حذف شود و این مالیات برقرار شود و این موقع پیشنهاد شعبه پارلمانی حزب دموکرات در حذف مالیات نمک بپارت ذیل خوانده شد.

سه شنبه پنجم ربیع الاول ۱۳۲۹ چون اوایل انعقاد مجلس شورای ملی در حالتیکه دولت احتیاج بیلغی وجه برای اصلاح امور مملکت احساس کرده و لازم دانست و لذا کرامت اقتراض بآن شرایط تحمل پذیر در میان بوده و ملت نیز اطلاع بر حاجت دولت و ضرر آن اقتراض حاصل نموده از اینکه ایالات و ولایات و مرکز اظهار غیر تمنا نهاده نموده که ملت خود حاضر است بجهت رفع دولت بعنوان قرض با اعانه همراهی و حمایت نمایند و نیز هر نوع مالیاتی که از مجلس شورای ملی وضع شده و بگذرد با کمال میل قبول و در ادای آن حاضر خواهند بود و بدین ملاحظه و اظهارات ملت از طرف وزارت فواید عامه لایحه مالیات غیر مستقیم بر معادن نمک بعنوان اداره نمودن آن پیشنهاد مجلس گردید و نمایندگان آن لایحه را در چندین جلسه مطرح و مناقشات لازم نمودند و بالاخره اکثریت مجلس شورای ملی تصویب نمود که دولت معادن نمک را اداره نموده و از قرار مقالی یک دینار بفروشد و منت نیز بنابر آنچه بمجلس پیشنهاد و قبول مالیات نمک بود اطاعت کرد و حال تقریباً یکسال است که قانون از مجلس گذشته است و معادن نمک را دولت اداره می نماید و در این مدت چنانچه تمام نمایندگان مسبوق هستند در اکثر ولایات این اداره بملایه آنکه چندان فایده برای دولت نکرده و پس از معارج ادارات آن و مواجب مستخدمین وجه معتنابه عاید نشده در اکثر ولایات بر حسب شکایت اهالی و بعضی ایالات و شهرها نیز اداره نشده است و احساسات نیز بر ضد آن بروز می نماید و در ولایات شمالی در چندین نقطه بواسطه قیمتی که نمک ایران حاصل نموده از خارجه بقیمت ارزاتر وارد و بفروش می رساند و چنانچه از استاتستیک صادره و در دست گیر کی که در صفحه مقابل فید در معین گردیده بوقی ظاهر می شود و از این جهت ضرری فاحش و مبین بمملکت و ملت وارد میکند بمذام ملاحظه تمام جهات و اطراف آن نمایندگان اعضا کنندگان ذیل برای آسایش عموم ملت و رفع خسارت وارده پیشنهاد مجلس شورای ملی می نمایم که این مالیات که از انحصار فروش نمک بدولت بر ملت تحمیل شده بکلی منسوخ و عموم ملت راحت و آسوده شوند و انکار نمی توان نمود که دولت برای احتیاجات حاضره لابد است وضع مالیاتی نموده که احتیاجات مملکت را مرتفع می سازد این که تقاضا می نمایم مالیات مستغلات که لایحه تقریباً يك سال است طبع و به نمایندگان توزیع شده در جزء دستور نموده از مجلس دارالکوره و نظر نمایندگان بگذرد و جبران مالیات مزبور را بنیاید سلیمان ابن معین - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا میرزا احمد قزوینی - شاهزاده ابوالقاسم میرزا - آقا سید محمد رضا - صدر العلماء علی زاده - سید حسن

گرازی - میرزا داودخان - آقا سید حسین اردبیلی - آقا سید جلیل - و سید الملک - منتهی السلطان محمد معاش میرزا - آقا شیخ رضا دهنوارقانی - آقا شیخ غلامحسین ضیاء الممالک - تربیت - آقا میرزا محمد نجف - وارده - یوزن تبریز

بیچی نیل ۲۸۴۴۹۹  
تخاقوی نیل ۲۸۰۹۲۴۱  
۴ ماه اول امسال ایت نیل ۱۴۷۴۹۰۴  
۴ ماه ثانی ایت نیل ۱۸۰۱۷۶۳۱  
صادره - یوزن تبریز  
بیچی نیل ۴۰۷۹۹۲  
تخاقوی نیل ۴۲۳۰۹  
۴ ماه اول امسال ایت نیل ۵۹۴۵۶  
۴ ماه ثانی ایت نیل ۵۶۱۶۵

**نایب رئیس** - این طرحی است که پیشنهاد شده است و باید بکمیسیون مبتکرات برود اگر قابل توجه شد در دستور گذاشته میشود و مطرح میشود حالا در این خصوص مذاکره نمیشود.

**اسدالله خان** - قانوناً این نمی تواند به کمیسیون مبتکرات رجوع شود اجازه نفرمائید عرض کنم.

**نایب رئیس** - چون این در پروگرام وزراء هست و مطرح شود خواهد شد دیگر حالا داخل در شور این نمیشویم و رجوع بکمیسیون مبتکرات می شود.

**اسدالله خان** - این قابل اینک برود به کمیسیون مبتکرات نیست.

**نایب رئیس** - چون طرحی که از طرف عدت از وکلا پیشنهاد شود باید رجوع شود به کمیسیون مبتکرات اگر قابل توجه شد برمی گردد بمجلس حالا قانون نیت استناد خوانده میشود.

(در این موقع شروع شد به قرائت قانون نیت استناد.)

پیشنهاد وزیر ماده ۸ - اشخاصی که داوطلب مباشرت نیت اند باید مبلغی برای ضمانت افعال نمایان قانون که محتمل است از آنها سر بزند بصندوق محکمه ابتدائی محل تسلیم نمایند و مقدار آن مبلغ را نظر بانقضای هر محل وزیر عدلیه با تصویب وزیر مالیه و وزیر دارالخلافه معین خواهد کرد.

پیشنهاد کمیسیون ماده ۸ - مباشرین نیت باید قبل از مباشرت شغل خود بملغی بعنوان وجه الضمانه برای ادای خسارات وارده بر اشخاص و جزای های تقدیه که در صورت تخلف مباشرین نیت از وظایف خود بعهده آنها وارد می آید در صندوق محکمه ابتدائی محل تدوین نمایند و مقدار آن مبلغ را بانقضای هر محل وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه و وزیر داخله معین خواهد کرد.

**حاج سید ابراهیم** - در لایحه وزیر مقیه بود باشخاصی که داوطلب هستند و حالا در راپورت کمیسیون که موجه الضمانه میخواهیم گرازی جهت که در واقع یکی از ما و درین ماله دولت است پس در اینصورت نوشتن برای ادای خسارات لازمه این معنی ندارد و اگر از غیر نظر ماله دولتی است یعنی آن

عاید که عاید میشود از غیر آن جهت است باید معلوم شود که برای مباشرت ثبت اسناد مخصوص باو طلب است که باید در حقیقت معلوم شود و اگر از او طلب نباشد چه جهت دارد ولی اگر اعم است از او طلب و تعیین وزیر عدلیه دیگر چه جهت دارد که باید بکنیم که یک وجه الضمانه باید بدم در صورتیکه باو طلب نبوده است توضیح بدهند که جهت اینکه باو طلب هم نبوده است وجه الضمانه برای او نوشته اند چه چیز است

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - آن لفظ باو طلب نه از باب اینست که مباشرت ثبت اسناد است یکی باو طلب یکی غیر باو طلب اینطور نیست آن یک مسئله علیحد است که در موقع خودش آن شرایط را معین خواهند کرد اعلان خواهند کرد که هر کسی حاضر است اطلاع بدهد که من حاضر و این مسئله وجه الضمانه یک مسئله اساسی است که بینه لازم است اساساً او را عرض کنم و بعد نظر خود را هم عرض بکنم گویا در بعضی ممالک گمانیکه متصدی امری هستند که مال دولت بدست آنها می آید یا از هر جا فرار است که یک پولی بصدوق دولت میدهند و برای آنها میماند حالا اینجا که قانون است مخلوط بهم بنده بعقیده خود اینست که باحالت حالیه و این وضعی که آن داریم که یک صدوق درستی نداریم وضع اینرا در حفظ قانون ثبت اسناد صحیح نمیدانم و بعضی جاها قانون دیگری است که هر گاه وجه الضمانه هم بدهد سال بسال هم بکوهی بصدوق دولت میدهند آنچه بدهند منتهی در مباشرت ثبت اسناد اینرا مقرر کردن چندان وجهی ندارد بنظر بنده علاوه بر بعضی اشخاصی را که آمدند و لا یقتضی محرم از اینکار بکنند علاوه اینکه اینها یک حق الضمانه بدهند به بی بدهند به چه بسیارند اینرا چون نداریم نمی شود اینرا قرارداد حالا بینه نظر آفایان است .

**بجهت** - بنده اساساً لکن این مطلب که وجه الضمانه باشد مغایر مستقیم بجهت اینکه بعضی اشخاصی که از مجلس گذشت بکلی امتیازات قضایی از بین می رود بجهت اینکه ما باید ملاحظه اینرا بکنیم که ما موردین دولت خودشان در امانت و لیاقت را امتحان خودشان را بدهند بجهت اینکه می شود از فقرا که امتیازات قضایی را دارا باشند از جهت امانت و فضل امتحانات خودشان حاضر باشند بدهند اما وقتی که مسئله حق الضمانه مرسوم شد آنوقت اینها محروم باشند و فقط این ماده میگوید مشاغل منحصراً باشد با شخصیکه دارای ثروت باشد اگر ما خواستیم باقیم این قانون را بکنیم تا چه داریم که در تمام ادارات این را قرار بدهیم پس آنوقت جاداد که من بگویم وزیر مالیه ما باید سی سکرور وجه الضمانه بدهد بجهت اینکه بقدریکه اختیارات با او بدهیم بهمان اندازه باید وجه الضمانه بدهد همین طور وزیر امور خارجه مقابل قیمت که ملک ایران باید وجه الضمانه بدهد بجهت اینکه ممکن است یک امتیازی بخارجه بدهد یا اینکه یک مقاله نامه بنویسد برای اینکه ما نباید تمام چیزها را در دول پول معین بکنیم خیلی چیزها هست که اختیارات کلی است یک شخصی داده میشود او می تواند از رسم خیانت بکند که آنچه چیزها غیر از پول است و من هیچ اختصاصی نمی بینم که ما این را در ثبت اسناد ملاحظه کنیم و در ادارات دیگر ملاحظه نکنیم پس باید این مسئله را اساس عقیده

خودمان قرار بدهیم و از یارمان خودمان بگذرانیم که کلیه استخدام در ادارات باید بوجه الضمانه بولی باشد یعنی باندازه که بستند همین اختیارات می دهند همان اندازه وجه الضمانه باید بدهند پس در این مقام ما می خواهیم امتیاز قضایی را از بین ببریم و ثروتی را در مملکت مجری کنیم و اگر خواستیم باقیم اینرا در اداره ثبت اسناد مجری کنیم و در سایر ادارات مجری نکنیم این بی جهت است و بی سبب است و بنده بکلی مخالف با این ماده و باید فقط امتیاز امانت و قضایی باشد و نوشته شود امانت و درستی (در این موقع پیشنهادی از آقا سید حسن مدرس اسفغانی ببارت ذیل خوانده شد).

انتضا میکنم که این ماده بگذرانند یا در خارج در کمیسیون ملاحظه شود و بعد به مجلس مقدس بیاورند پس مدرس [اجزاء پیشنهادی از آقایان ملک ببارت ذیل قرائت شد ]

بنده پیشنهاد میکنم که مواد هشت تا سیزده حذف شود و بجای این یک قانون بطریق ذیل اضافه شود .

ماده - هر وقت قانون تصدین صاحبان جمع دیوانی وضع شد مباشرت ثبت اسناد نیز مطابق آن قانون تعیین خواهد شد .

**فهمیم الملك** - برای این که بعداً قانونی در این خصوص وضع میشود خاطر آفایان هست که در یک ماده در قانون دیوان معاریت اضافه شد که هر وقت قانونی برای تعیین صاحبان جمع که در ادارات مستخدم هستند از طرف مجلس وضع شود صاحبان جمع در تحت آن قانون خواهند بود و آن ماده از قانون دیوان معاریت حذف شد حالا هر وقت آن قانون تصدین برای صاحبان جمع وضع شد صاحبان جمع ثبت اسناد هم در تحت آن قانون خواهند بود و حالا یک قانونی برای کلیه اشخاصیکه داخل در خدمت دولتند در خصوص وجه الضمانه باید وضع شود و در موقعیکه آن قانون وضع میشود باید که حقیقتاً حکایت وضع این ماده گفته شود و گویا اگر آقای مشیرالدوله بودند میگفتند که حکایت این بجهت وجهی جهت این ماده را اینجا گذارند چه چیزیکه بنظر بنده میرسد اینست که وجه الضمانه برای اینست که در موقعیکه خساراتی وارد کرده باشد آنچه را بپردازد حالا کاربان نداریم وقتی که آن قانون را در مجلس وضع کردند در ضمن مباشرت ثبت هم در ضمن آن قانون خواهد بود .

**مهر زال ملک** - بنده تصور میکنم که الان اگر آفایان بپذیرند همان پیشنهاد آقا را و الان در این چند ماده ملاحظه بکنند بهتر است زیرا که حکایت این ماده گفته شده است ممکن است از این جهت باشد که بواسطه اینکه یک امری بر هر روزید واقع بشود و حالا بواسطه این وجهی که حق الضمانه داده است خیلی دقیق تر بشود در آن امور یا آنکه اگر خساراتی وارد کرد از آن وجه حق الضمانه بپردازد این وجه برای آن ها نگامداشته میشود حالا آن هیچ ربطی با آن ماده ندارد یکی هم آقای فهمیم الملك گفته که برای کلیه صاحب

جمعه یک قانون تصدین نوشته میشود آنهم ربطی باین ندارد حالا خوبست بطوریکه پیشنهاد هم شده است این رجوع شود بکمیسیون بعد آقای مشیرالدوله هم توضیحات کامله بدهند بنده هم چون اطلاع کامل ندارم و بیش از این نمیتوانم حلا عرض کنم .

**نایب رئیس** - حالا اگر آفایان تصویب فرمایند این ماده هشت تا ماده سیزده برود بکمیسیون (تصویب شده رفت بکمیسیون) .

**پیشنهاد وزیر** - ماده ۱۷ - شغل مباشرت ثبت با شخصیت تفویض میشود که مایل به تصدی آن شغل باشند ولی باید قبلاً امتحان دانستن قوانین راجعه به ثبت اسناد را کاملاً در حضور رئیس محکمه ابتدائی و مدعی عمومی و معیر ثبت داده باشند .

**پیشنهاد کمیسیون** - ماده ۱۴ - شغل مباشرت ثبت با شخصیت تفویض میشود که قبلاً امتحان سواد فارسی و دانستن قوانین و نظامنامه راجعه به ثبت اسناد را کاملاً در حضور رئیس محکمه ابتدائی و مدعی عمومی و معیر ثبت داده باشند و وزارت امور خارجه را در تمام امکن است و برای اطلاع اهالی در جراید محل اعلان مینماید .

**حاج سید ابراهیم مدرسی** - در ماده ۱۷ - هر وقت قانون تصدین صاحبان جمع دیوانی وضع شد مباشرت ثبت اسناد نیز مطابق آن قانون تعیین خواهد شد .

در عده دیگر در خصوص اول اطلاعی از ترتیبات معاملات داشته باشد که جلوگیری از بعضی خلاها بشود آقای ذکاء الملك فرمودند که معلوم است در ماده ۱۴ قید میشود اینست که بنده آنوقت ساکت شدم حالا آن مطلبی که در ماده چهارم ذکر شد حالا لازم است قید شود دیگر اینکه در اینجا بنویسد که شغل مباشرت ثبت با شخصیت تفویض میشود که قبلاً امتحان سواد فارسی و دانستن قوانین و نظامنامه راجعه به ثبت اسناد را کاملاً در حضور رئیس محکمه ابتدائی و مدعی عمومی و معیر ثبت او بیش کمی امتحان میدهد پس یک تکلیفی برای او هم معین کنند و یک اطلاعی هم از ترتیب معاملات شرعی و مملکتی قید بکنند که داشته باشند آنرا هم اضافه بکنند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجالی** - اینجا چون شرایط امتحان مباشرت را میگویند نه مدیر را مدیر در جای خودش خواهد آمد امسوا شرط او را هم باید بگویند و اما آن چیزی را که در خصوص امتحان فرمودند وقتی که در شرایط میگویند که امتحان قانون و نظامنامه ثبت اسناد را بدهند همه چیز در آنجا هست آنها را امتحان داده همه چیز در آنجا هست که فلانطور باید ثبت بکند فلان طور باید بکنند این امتحانات را باید بدهد .

**فهمیم الملك** - اینجا نوشته شده است که امتحان سواد فارسی و دانستن قوانین و نظامنامه راجعه به ثبت اسناد بنده عرض میکنم برای هیچ مستخدمی نمیشود که نظامنامه آن اداره را برای اینست که نظامنامه بسته است بدست رئیس اداره و ممکن است بواسطه تغییر رئیس تغییر بکنند آن چیزی نیست که او را امتحان بدهند امتحان در قوانین است که تغییر و تبدیل او بدست خود اداره نیست ممکن است رئیس اداره که عرض شد پیشهادی بآن وزارت اضافه بکنند که مطابق آن پیشنهاد هم یک نظامنامه برای داخلی اداره خودش بنویسد یا بتبیینی در نظامنامه سابق بدهد

پس آنچه که راجع می شود بنظام نامه راجع است بترتیب و شرایط آن قانون چیزی نیست که اشخاصیکه نمی خواهند داخل آنکار شوند آن نظامنامه را امتحان بدهند پس بنده لفظ نظامنامه را زیاد می دانم و قوانین کافیت برای کسیکه میخواهد داخل اداره شود قوانین را امتحان بدهد .

**آقا شیخ ابراهیم زنجالی** - نظامنامه درست است برای اینست که نظامنامه دو قسم است یکی نظامنامه است که برای قوانین و کلیات اداره است و یکی نظامنامه است که راجع بترتیبات داخلی است در اینجا مواد آن نظامنامه ترتیبات داخلی مواد نیست آن نظامنامه است که هر وزارت خانه برای خودش خواهد داشت .

**بجهت** - و فنیست که هیئت متعنه اشخاصی باشند که اغراض شخصی مدخلیت پیدا کند و مسئله یارتی بازی در میان بیاید عقیده بنده این است که بجهت اینکه آن هیئت متعنه همین اشخاصی باشند که مشغول باین شغل باشند ممکن است در باره تمام این اشخاص از عدلیه و غیر عدلیه این اشکال بماند بیاید و همه قسم اغراض شخصی را خارج بدهند بلکه در عدلیه یا در تمام ادارات دولتی یک هیئت متعنه لازم است که در خارج باشد و جزء این اداره نباشد دارای شغل هم نباشد تا آنکه برای کلیه وزارت خانه ها بهمان آنکه قانون استخدام گذشت یک هیئت متعنه باشد که پیش آنها امتحان بدهند اشخاصی که می خواهند داخل خدمت میشوند باید در وزارت عدلیه یا در وزارت داخله در وزارتخانه دیگر یک هیئت متعنه باشد و اینها خودشان یک دائره حساب می شوند که اشخاصی که می خواهند داخل آن مشاغل شوند آن امتحان را می دهند و اجازه نامه از آنها بگیرند و داخل انکار شوند و اگر آن هیئت متعنه نباشد مسئله یارتی پری دائره خواهد شد و این مسئله منقطع نمی شود .

**آقا شیخ ابراهیم زنجالی** - یک هیئت متعنه در این صورت لازم است که در تمام ولایات برود برای اینست که اداره ثبت اسناد در آنجا ها خواهد رفت یک اداره ثبت اسناد شما دارید مباشرت آن را بیاید اعضاء محکمه ابتدائی و مدعی عمومی امتحان بکنند و اینست که این حق بجمعه ابتدائی و مدعی عمومی داده شده است بجهت اینکه خواهید خواند بعد ها که این اداره ثبت اسناد در تحت محکمه ابتدائیست و مسئول آن مباشرت ثبت محکمه ابتدائیست و همان باید تصدیق کند بدهی است اگر لایق نبود و صلاح نکرد مثل همان کسی است که تصدیق کرده و همچنین اجرا کننده همانست که تصدیق میکند در ورود علاوه اگر اطمینان ندارید که رئیس محکمه ابتدائی تصدیق بکنند چه طور بفرود اطمینان دارید که سر کار باشند .

**حاج سید ابراهیم مدرسی** - آقای مخبر مثل این بود که خواستند بفره جواب بنده را بدهند بنده عرض میکنم مدیر ثبت باید امتحان بدهد می فرمایند در جای دیگر معین می شوند این

حواله سرخری است که نمی دانم گویا خلیش خواهد بود حالا که معلوم نیست خوبست این نقطه از اینجا برداشته شود و دیگر شما اینجا ذکر میکنید سواد فارسی کفران مراتب که در نظامنامه است شرط است دیگر سواد فارسی لازم نیست که اینجا نوشته شود که امتحان فارسی بدهند تا مباشرت ثبت شوند بنویسد در حضور رئیس محکمه امتحان لیاقت بدهند و ذکر بکنند شرایط لیاقت را دیگر اینکه باید ذکر کرد شرایط راجع باسناد را و شرایط راجع باسناد ربطی بقوانین مملکتی ندارد باید در آن شرایط نوشته شود که مباشرت ثبت کسی است که اطلاع از نوشتجات شرعیه داشته باشد پس لازم است که شرایط امتحان نوشته شود و به منظور لفظ نظامنامه و لفظ معیر ثبت را باید از اینجا انداخت .

**آقا شیخ ابراهیم** - اما این ماده چنین نوشته شده است شغل مباشرت ثبت با شخصیت داده میشود می فرمایند بنویسد شغل مباشرت و مدیریت ثبت با شخصیت داده میشود اینست که نمی شود مقصود اینست که شغل مباشرت با شخصیت داده می شود که امتحان قوانین امتحان مواد راجعه باین کار را بطوری که بعد خواهید خواند بدهد تا اینکه اسنادی را که برای ثبت پیش او می آورند بدانند که این نوشته مطابق قوانین مرسومه مملکتی است صحیح است مطابق قوانین شرعیه نوشته شده است یا غیر اینرا در مواد بعد می نویسند اینست که می گویند در آن صورت سواد فارسی لازم نیست باید سواد فارسی داشته باشد تا بدانند که چه نوشته اند و بفهمند که مطابق با قوانین مملکتی هست یا خیر و ممکن است سواد فارسی داشته باشد قوانین را بدانند و ممکن است قوانین پس هر دو لازم است قید شود .

**بجهت** - آقای مخبر خیلی تمجب کردند که چرا بنده گفتیم به هیئت متعنه در خارج باشد دلیل هم آوردند که هیچ عزل و نصب مباشرت ثبت با رئیس محکمه است باید امتحان هم با آنها باشد بنده همین را بر خرابی ادارات حالیه مان که بنویسند اشخاص منوط با شخصیت است که داخل کارند ممکن نیست که تا این ترتیب است ادارات ما صحیح و مرتب شود بجهت اینکه باین ترتیب هیچ وقت ممکن نیست که یک اشخاص دیگری داخل کار باشند اگر آقا معتقدند که چون عزل و نصب مباشرت با آنهاست باینجهت امتحان هم باید با آنها باشد پس بنویسند رضامندی محکمه شرط است دیگر چرا امتحان را بنویسند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجالی** - بنده استدعا میکنم که مواد را بخوانند اینجا بنویسند که امتحان میدهد و امتحان هم میکند آخر محکمه باید امتحان بکنند بنویسد که این کافیت حالا آیا آنرا که بنویسد دروغ بنویسد این چه طور میشود در صورتی که خودش مسئول است .

**مشیر حضور** - بنده عرض می کنم که به معین استدلال اینکه برای مدیر ثبت می کنند ممکن است که برای هیئت متعنه بشود ماز که کامیابیم که مدیر ثبت یارتی باز خواهد شد و هیئت متعنه یارتی

بباز نخواهد شد باین جهت بنده موافقم با آقای مخبر .

(پیشنهادی خوانده شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ نظامنامه از این ماده حذف شود (خابل) .

**آقا شیخ ابراهیم** وزیر اگر نظامنامه نوشت که ثبت باید در چه صحنه باشد سطر از کجا یا کجا باشد اینها را باید بدانند این نظامنامه نه آن نظامنامه است که هر اداره دارد که چه وقت برود چه قدر بماند چه طور کار بکنند این آن نیست این نظامنامه است که وزراء برای قوانین بنویسند در این مثل قواعدی است که می نویسند برای اعضاء اداره و باید مطلع باشند .

**فهمیم الملك** - برای اطلاع خاطر آقا عرض می کنم برای امتحان اشخاصی که داخل در کار می شوند قوانین را به چوکت نمی آورند پیش آنها که این را بیایند امتحان بدهند برای اینکه میخواهید داخل این شغل بشوید بلی قوانین مملکتی کلیه باید منتشر شود و هر کسی بدانند اهم از اینکه داخل خدمت بشود یا نشود آن امتحانیکه برای دخول در خدمت دولت می خواهند غیر از این چیزها هست لازم نیست که امروزه بنده اگر بخوایم مباشرت ثبت اسناد بشوم امتحان بدهم که در نظامنامه نوشته است که فلان سند را اگر آورده چه طور بنویسند این چیزی نیست که باید امتحان بدهند دیپلمات های بزرگ که میخواهند داخل ادارات شوند هیچ نمیرند فرضاً راجع باجری قوانین داخل آن وزارتخانه هم باشد از او امتحان بگیرند یک امتحانات خارجی است که از او می گیرند نظامنامه داخلی را هر چه باشد لازم نیست امتحان بدهد عرض می کنم قوانین را برای اینکه بخوانند و بترتیبات قانونی آشنا شوند می گویم آنرا هم کسی بخواند دقت می کنند اساساً امتحان قوانین را نیاید قید بکنند آن امتحانات دیگر لازم دارد هیچ ربطی بقانون نظامنامه ندارد .

**معین السلطنه** - عقیده بنده برخلاف اظهارات آقای فهمیم الملك است و بنده تأیید میکنم عقیده آقای مخبر را و اینهم منطقی است زیرا که کسیکه میخواهد داخل یک اداره بشود از دو حال بیرون نیست یا این است که شاگرد است در آن اداره او لازم نیست که امتحان بدهد بجهت اینکه سواد ندارد و باید کم کم تحصیل بکند در همان اداره و بعد بعضی مراتب را طی می کند و خودش را بدرج حالیه برساند یا بمرتب اینست که مستقیماً داخل در کار میشوند آنها اینکه اتفاقاً مستقیماً داخل در کار میشوند مکلفند که قواعد آن اداره را که میخواهند داخل بشوند بدانند با استثنای این مطلب بزرگی که فرمودند دیپلماتهای بزرگی که میخواهند آنکار شوند کار با آنها نداریم والا در مقام قبول دخول اعضاء جزء امتحانات قوانین را باید بکنند بلکه امتحانات نظامنامه ها را هم از آنها می خواهند آنوقت داخل در اداره می شوند علاوه بر علوم ابتدائی و متعماتی که این ها باید بدانند یکی از امتحانات آنها اینست که قبلاً تمام آنها را تحصیل می کنند و تمام اینها را میدانند

و این لفظ نظام نامه خیلی لازم است و بده تا باید می گنم اظهارات آقای مخبر کوه لفظ نظام نامه خیلی بهتر است [مجدداً پیشنهاد آقای فهیم الملك قرائت کردید.]

**نایب رئیس** - رای می گیریم باین پیشنهاد هر کس از آقایان تصویب می کند قیام نماید (با اکثریت تصویب شد).

**حاج شیخ اسدالله** - فرمایشاتیکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند گویا آقای مخبر کوه ندانند یا جوانشان را بنده نفهمیدم میفرمایند مباشرین ثبت باید امتحان بدهند در محکمه یا نزد رئیس محکمه یعنی در محکمه باشد نه در نزد رئیس آنها امتحان بدهد یعنی در نزد رئیس محکمه و مدعی العموم و رئیس ثبت استاد آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که یکی از اجزای ثبت استاد خود مدبر ثبت است باید امتحان را پیش می برد در حالیکه مقید کرده است که مباشرین ثبت باید نزد این سه نفر امتحان بدهد و خود از یکی از آنها است خوبست جواب آنرا بفرمائید ببینم که چه میفرمایند و یکی دیگر اینکه در آنجا بنویسند که امتحان بدهد بالخصوص در نزد خود رئیس است یا در محکمه یا حضور رئیس است این را بیان بفرمائید تا بنام (پیشنهادی از طرف آقای حاج سید ابراهیم باین مضمون قرائت کردیم) بنده پیشنهاد می کنم که برای اینکه امتحان شام اصول مواد امتحان شود لفظ استاد بدارفوق این را چه زیاد شود.

**نایب رئیس** - رای می گیریم باین پیشنهاد هر کس از آقایان که تصویب می کنند قیام نمایند (رد شد).

**نایب رئیس** - حالا رای می گیریم دراصل ماده چهارده کمیسیون هر یک از آقایان که تصویب میفرمایند قیام نمایند (با اکثریت تصویب کردید).

[پیشنهاد دربر ماده ۱۸ که مطابق با مواد ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ کمیسیون بود به مضمون ذیل قرائت کردیم.]

ماده ۱۸ - عزل و نصب مباشرین ثبت یا معرفی رئیس محکمه ابتدائی و تصویب رئیس اول محکمه استیفاء بعمل خواهد آمد مباشرین ثبت قبل از مباشرت شغل خودشان باید درجه ای عمومی محکمه ابتدائی قسم یاد نمایند که بصحت و امان وظایف خود را انجام خواهند داد عزل مباشرین ثبت بدون استیفاء خودشان منوط بحکم محکمه است.

پیشنهاد کمیسیون ماده ۱ - محکمه ابتدائی صورت اشخاصی را که امتحان داده اند با اوراق راجعه بکیفیات امتحان نزد رئیس محکمه استیفاء فرستاده اشخاص مزبور را معرفی می کند و رئیس محکمه استیفاء بعد از مذاقه لازمه نتیجه امتحانات را معرفی می کند و وزیر عدلیه استیفاء است.

**حاج امام جمعه** - چون عزل معنیش از کار کناره گردن است آنجا که خودش استعفا می دهد عزل وزیر محتاج نیست عرض کردم عزل یعنی از کار کناره کردن پس یکی از علل عزل همان استعفاء است اگر آن استعفا را بردارند افسس می شود برای اینکه استعفاء یکی از علل عزلت عزل یا باخراج است یا باینکه از کار کناره بکشد و استعفاء بدهد.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - حقیقتاً استعفاء عزل نیست مال آن شخص است عزل کار وزیر است لیکن این را غالباً می نویسند.

**حاج امام جمعه** - عزل وزیر محتاج نیست آنجا که میگویند که عزل درجائیکه با اختیار خودش نیست محتاج بحکم محکمه و عزل وزیر است من گمان می کنم که بدون استعفاء لازمست.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - عزل کار وزیر است و استعفا کار آن شخص یعنی در غیر صورت استعفا خودشان با وزیر است.

**حاج عز الممالک** - بنده گمان می کنم که اینجا مناسب است که نوشته شود منتظر صدور حکم وزیر عدلیه زیرا که وزیر عدلیه حکم میدهد

به نصب چون عزل بدست است نصب هم بدست او است این بهتر است از تصدیق وزیر عدلیه منصوب میشود.

**حاج سید ابراهیم** - بنده موافقم چون عزل با اداست نصبم خوبست با او باشد.

**حاج شیخ الرئیس** - اینجا صورت اشخاص را خوبست صورت اسامی اشخاص بنویسند.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - عزل و نصب بدست رئیس محکمه استیفاء است بدست وزیر نیست به تصدیق وزیر است.

**کاشف** - توضیح مختصری که آقای مخبر دادند و رئیس محکمه استیفاء که فرمودند کدام محکمه استیفاء است چون استیفاء خیلی است استیفاء حقوق استیفاء جز است زیاد است اگر رئیس کس است که بفرمایند چون استیفاء متداولست خود مدبر ثبت است باید امتحان را پیش می برد

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - يك محکمه استیفاءی بشکل ملکیت رئیس ندارد هر استیفاءی نسبت بمعکله آنجا محکم ابتدائیه که هست هر محکمه ابتدائی استیفاء دارد (مع الاصلاح ماده مزبور باین مضمون قرائت کردید).

ماده ۱۵ - رئیس محکمه ابتدائی صورت اسامی اشخاصی را که امتحان داده اند یا اوراق راجعه بکیفیات امتحان نزد رئیس محکمه استیفاء فرستاده اشخاص مزبور را معرفی کند و رئیس محکمه استیفاء بعد از مذاقه لازمه نتیجه امتحانات را بصیغه عقیده خود بو وزیر عدلیه اریورت داده منتظر صدور حکم وزیر عدلیه برای نصب مباشر ثبت میشود.

**نایب رئیس** - رای می گیریم بآن ماده ۱۵ کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)

پیشنهاد کمیسیون ماده ۱۶ عزل مباشرین ثبت بدون استعفا خودشان بعد از صدور حکم محکمه که صلاحیت حکم را دارد با وزیر عدلیه است

**هشترودی** - عزل معلوم است که عیراز استعفاء است دیگر لازم بذکر نیست.

**حاج امام جمعه** - چون عزل معنیش از کار کناره کردن است آنجا که خودش استعفا می دهد عزل وزیر محتاج نیست عرض کردم عزل یعنی از کار کناره کردن پس یکی از علل عزل همان استعفاء است اگر آن استعفا را بردارند افسس می شود برای اینکه استعفاء یکی از علل عزلت عزل یا باخراج است یا باینکه از کار کناره بکشد و استعفاء بدهد.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - حقیقتاً استعفاء عزل نیست مال آن شخص است عزل کار وزیر است لیکن این را غالباً می نویسند.

**حاج امام جمعه** - عزل وزیر محتاج نیست آنجا که میگویند که عزل درجائیکه با اختیار خودش نیست محتاج بحکم محکمه و عزل وزیر است من گمان می کنم که بدون استعفاء لازمست.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - عزل کار وزیر است و استعفا کار آن شخص یعنی در غیر صورت استعفا خودشان با وزیر است.

**حاج سید ابراهیم** - اینجا باید که بطور

صحت انتصاب بشوند دیگر هیچ لازم نیست که مقید کنی که باید قسم بخورند فقط آن اشخاصیکه انتصاب میکنند آنها را مقید کنیم بقید قسم که بطور صحت انتصاب کنند و آنها را که انتصاب میکنند مستثولیت ندارد آنها هیچ لازم نیست که مقید بقسم خوردن بشوند.

**حاج آقا** - این امور جزئی که خیلی گفتگو میشود این قانون باز میماند و اسباب زحمت فراهم میآید کاین قانون ثبت اسناد هم نگذرد که خاطر آقای حاج سید ابراهیم را متذکر میکنم که تمام اجزای این ادوات باید پیش رئیس خودشان تمم بخورند و باید اینکار بشود و اگر نشده است خلاف است.

**دکتر اسماعیل خان** - بنده هم موافقم در تمام دوائر معمول است.

**آقا محمد پروجردی** - این ماده اینطور نوشته شود که قبل از دخول بشغل خود باید در هیئت محکمه تمم یاد نمایند باقی لازم نیست.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بعد از دخول است و قبل از مباشرت باید داخل شوند و قسم بخورند قبل از دخول قسم نمیخورند.

**حاج شیخ اسدالله** - در صورتیکه در تمام ادارات معمول باشد که اعضا در خصوص محکمه قسم بخورند دیگر بنده عرض نمیکنم (بمضمون ذیل مع الاصلاح ماده مذکور قرائت کردید).

مباشرین ثبت قیام از مباشرت بشغل خودشان باید در هیئت اجتماعی محکمه ابتدائی قسم یاد نمایند که بصحت و درستی وظایف خود را انجام خواهند داد.

**نایب رئیس** - رای می گیریم باین ماده باینکه قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب کردید)

پیشنهاد وزیر ماده ۱۹ و ۲۰ بترتیب ذیل قرائت کردید.

ماده ۱۹ - مباشرین ثبت مستخدمین دولت محسوب میشوند ولی حق ارتقاء بمناصب و اخذ مستوری دیوانی را نخواهند داشت.

ماده ۲۰ - مباشرین ثبت در صورتیکه از طرف دولت معین شده باشند درجه و رتبه معاونین منشی های محکمه ابتدائی را خواهند داشت.

ماده ۱۸ - کمیسیون - مباشرین ثبت در خدمت دولتی محسوب و از حیث دتیه و حقوق و کفایت خدمت تمام معاونین منشی های دفتر دارهای محاکم ابتدائی را دارند مقرری مباشرین ثبت بموجب ماده ۱۲۷ معین میشود.

**نایب رئیس** - در این ماده ملاحظه نیست و هر کسی از آقایان که این ماده ۱۸ را بطوریکه خوانده شد تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

ماده ۲۲ و ۲۳ پیشنهاد وزیر به ترتیب ذیل قرائت کردید.

ماده ۲۲ - مباشرین ثبت مکلفند که وظایف خود را فقط در حوزه محاکم ابتدائی خود انجام دهند و اقدامات آنها در جاهاییکه خارج از حوزه محکمه ابتدائی متبوعه است اثرات قانونی نخواهد داشت.

ماده ۲۳ - در حدود حوزه خودشان مباشرین ثبت وظایف خود را بکلیه ارباب رجوع انجام میدهند

ولو اینکه اقامت گاه ارباب رجوع در خارج حوزه مباشرین ثبت باشد.

ماده ۱۹ - کمیسیون مباشرین ثبت مکلفند که وظایف خود را فقط در حوزه محکمه ابتدائی متبوعه انجام بدهند و اقدامات آنها در خارج از حوزه مذکور اثرات قانونی ندارد ولی در حدود حوزه محکمه ابتدائی متبوعه مباشرین ثبت وظایف خود را نسبت بکلیه ارباب رجوع انجام میدهند و لو اینکه اقامت گاه ارباب رجوع در خارج حوزه مذکور باشد.

**حاج شیخ الرئیس** - گمان میکنم این اثرات لازم نیست اثر قانونی ندارد نظرم بهتر است.

**نایب رئیس** - رای می گیریم باین ماده ۱۹ کسانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

با اکثریت تصویب شد (باین قانونی (باین قانونی تصویب شد).

ماده ۲۴ - وزیر) مباشرین ثبت مکلفند اسناد را که برای ثبت نزد آنها می آورند افشاء ننمایند و مضمون اسناد را بکسی نگویند مگر در مواردی که قانون استثناء مینماید تخلف از مفاد ایشاده مستلزم مجازاتی خواهد بود که در قانون جزاء معین است.

ماده ۲۰ - مباشرین ثبت مکلفند اسناد را که نزد آنها می آورند افشاء ننمایند و مضمون آن اسناد را بکسی نگویند مگر در مواردی که قانون اجازه میدهد تخلف از مفاد این ماده مستلزم مجازاتی میشود که در ماده ۱۲۹ مصرح است.

**حاج شیخ الرئیس** - عرض نزد آنها می آورند خوبست بنویسند که ثبت میکنند باید اسناد را نزد آنها بیاورند ولی آنها ثبت کنند.

**دکتر حاج میرزا رضا خان** - گویا مواد جزایی شور دویس به عمل نیامده است تکلیف معلوم نیست که چه چیز است.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - اسناد بعد از ثبت در آنجا نخواهند ماند اسناد را که برای ثبت می آورند خود اسناد را نباید افشاء کنند خودشان را ابراز کردن غیر از مفهومش را گفتن است و الا معلوم است که اصل سند در نزد صاحب سند است.

**افتخار الو اعظمین** - این اسناد را افشاء میکنند مفهومش را بگویند قابل مذاکره نیست.

**وکیل التجار** - بنده باین مسئله اهمیت میدهم و هیچکس اقتضای نکرد و الا آن رای بدیم بعضیون یکماده که بعد از این رای بان خواهیم داد چه طور فعلاً میتوانیم بآن رای بدیم مانع اینم چ چیز است که بان رای خواهند داد.

**آقا شیخ ابراهیم** - يك جزایی باشد نهایت در وقت رای دادن در آن مواد جزایی هینکه بان مواد رسیده مجازات را تغییر بدهند و هر قدر انسان میخواهد حرف بزند.

**نایب رئیس** - رای می گیریم باین ماده بطرفی که قرائت شد کسانیکه تصویب میفرمایند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

ماده ۲۵ از پیشنهاد وزیر) مباشرین ثبت همی خواهند داشت که علامت شیرو خورشید را دارا و در زیر آن نفلان جا واسه محل و ذیل مهر را مباشرین ثبت باسم خود امضاء و مهر نمایند.

ماده ۲۶ از پیشنهاد کمیسیون) مباشرین ثبت مهری خواهند داشت که علامت شیرو خورشید را دارا

باشد وزیر آن نوشته خواهد بود فلان اسم مباشرین ثبت فلانجا محل.

**کاشف** - بنده اسم مباشر را زیادی میدانم فقط اسم محل نوشته شود برای اینکه مباشر را در هر چند مدت عوض میکنند نباید اسم شخص نوشته شود اسم محل لازمست.

**آقا شیخ ابراهیم** - اسم شخص حکم باید باشد بجهت آنکه هر وقت عوض میشود باید معلوم شود که خطائی که شده است از کدام یک از آنها شده است.

**فهیم الملك** - مهر های اداره همینطور که آقای کاشف فرمودند يك مهر بکنند برای اداره بعد هر مباشریکه میآید او باید امضاء کند و مهر خودش را بزند که معلوم شود که آن مهر اداره رازده است ولی در مهر اداره هیچوقت اسم مباشر نوشته نمیشود.

**کاشف** - آقای مخبر بکلی اشتباه کرده اند ممکن است يك مأموری وقتیکه او را معزول کردند با همان مهر خیلی اسناد را امضاء کند که بکلی اعتبار قانونی آنها از بین برود از اینجهت اسم همان محل کانیست.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - اسم خود شخص باید در خود مهر باشد سند خارجی هزار تارا مهر بزند بکلی قبول فایده ندارد وقتیکه معزول شد آنهریکه او میکند در دفتر خواهد ماند همینطور ماده دیگر نیست که همینکه معزول شد مهر را از او خواهند گرفت بجهت اینکه بعد از این هر گاه خطائی واقع شد که این از کی شده است.

**حاج سید ابراهیم** - تشریحی که آقای کاشف کردند خیلی صحیح است از آن توضیحی که آقای مخبر دادند بجهت اینکه وقتیکه مهر اداره لا یتغیر باشد باید مهر وزیر مالیه هم باشد که تشخیص شود که آن شبانی که واقع شده است کی کرده است و این ماده اصلش بی ترتیب است چه ضرر دارد که علاوه بر مهر ثبت اسناد مهر آن شخص را که مباشر ثبت است اضافه کنیم که او هم مهر بکنند ولی مهر اداری باید علیحده باشد.

**وکیل التجار** - این خیلی غریب است که مهر اداره و مهر اشخاصی که آنجا مباشرت دارند هیچ مناسبت باهم ندارند این رسمیت مهر اداره زده میشود و شخصیکه مباشر است امضاء میکند و اینکه میگویند که لازمست بفرمانده که این خطائیکه فرضا واقع شده است منتسب بکسیست لابد این اداره بکترتیب دارد اسناد هم تاریخ دارد در آن تاریخی که نوشته شده است معلوم میشود که کی مباشر بوده است در آن موقع که خطائی کرده باشند از روی اینها معلوم خواهد شد هیچ وقت مهر اداره با اسمی اشخاص نوشته نمی شود باید تنها مهر اداره باشد و آن شخص هم مهر و امضای خودش را میکند امضای آنها آنجا سند است.

(پیشنهادی به مضمون ذیل از طرف آقای فهیم الملك قرائت کردید).

ماده ۲۱ - اینطور نوشته شود - مباشرین ثبت مهری خواهند داشت که علامت شیرو خورشید را دارا و در زیر آن نوشته شده اداره مباشرت ثبت فلان جا واسه محل و ذیل مهر را مباشرین ثبت باسم خود امضاء و مهر نمایند.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - اینهم بحقیقت بيك درجه مثل مستخدم غوی است و اهمیت دارد و

بخصوص نقش مهر اورا برای اداره خوانمندرستاد که ضبط باشد و همینکه تغییر کرد مهرم تغییر میکند باید اسم خودش باشد مهر اداره هم هست شیرو خورشید هم دارد زیرش هم نوشته شده است فلانکس مباشر ثبت اسناد فلان محل این خیلی لازم است که اسم خودش را دارا باشد و خیلی اهمیت دارد که اسم اشخاص را دارا باشد والا اهمیت ندارد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای فهیم الملک - هر يك از آقایان که پیشنهاد آقای فهیم الملک را قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه گردید).

**نایب رئیس** - رأی میگیریم باصل ماده ۲۱ بطریقی که الان خوانده شد هر يك از آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب گردید).

(ماده ۲۶ پیشنهاد وزیر) نمونه امضاء و نمونه نقش مهر را هم مباشر ثبتی در دفتررا که ثبت اسناد ضبط خواهد شد که در موقع لازم با امضاء و مهر مباشر ثبت تعقیب شود.

(ماده ۲۲ - از پیشنهاد کمیسیون) نمونه امضاء و نمونه نقش مهر هر مباشر ثبت باید یک نسخه بهتر را که حوزة ابتدائیه و نسخه دیگر بهتر را که کل فرستاده شود که ضبط شده در موقع لازم برای تطبیق با امضاء و مهر مباشر ثبت موجود باشد.

**کاشف** - آنچه راجع امضاء هست صحیح است ولی مهر یک چیز است که ممکن است در هر مرکزی هر حکمی که این مهر را بکنند عین مهر هیچ فایده ندارد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم ماده ۲۲ هر کسی از آقایان آنرا تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

(ماده ۲۷ پیشنهاد کمیسیون) دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن مهر دار و نمره صفحات معین و ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدائی و عضو آن بوده مهر رسمی محکمه مهور باشد.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - يك چیزی هم لازم میدانم در اینجا باید شود باین ترتیب که دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن نمره دار و در اول صفحه اول و آخر صفحه آخر عدد مجموع صفحات ثبت شود بجهت اینکه اگر اینطور نباشد ممکن است از او آخر چند ورق بردارند اما اگر در اول صفحه اول نوشته شود که این دفتر دارای درست صفحه است و در آخر نوشته شود دارای درست صفحه است این دیگر تخلف بردار نیست چون در اول صفحه اول و آخر صفحه عدد مجموع صفحات ثبت است و باید ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدائی و امضاء بوده مهر رسمی محکمه مهور باشد.

**آریاب کیخسرو** - آنچه در اینجا نوشته است صحیح است و آنچه را هم که فرمودند صحیح است ولی عرض بنده در کابینه آمده است تمامی دفاتر ادارات دولتی باید بهمین ترتیب باشد نمی دانم آقا در اداره وزارتخانه این شرح را خواهند داد باینکه لازم است يك قانون کلی برای کلیه ادارات نوشته شود برای اینست طلب بنده بنظر ام اگر این ترتیب باشد خیلی بهتر از این بود که در هر قانونی یکمورد ماده نوشته شود.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - حالا این

سفراتخانهها که اینجا هستند تمام دارای يك اداره ثبت اسناد هستند هر کدام از آنها را ملاحظه بفرمائید آخر صفحات آنها مهر اداره دارد.

دیگر آن توضیح های مغیر لازم است **فهیم الملک** - اینطوریکه اصلاح کرده اند آن جمله لازم است ولی اینطوریکه ایشان اصلاح کرده اند يك مفهوم دیگری از بین می رود صفحات دفتر ثبت اسناد کلیتاً باید مهر اداره داشته باشد و اینطور اگر بنویسیم فقط عدد صفحات را معین بکنند بعد از ورق اول و آخر که عدد صفحات معین میشود امضاء کنند آن مطلب اول از بین می رود آن خیلی لازم است و تمام عدد صفحات باید امضاء شده باشد.

**وکیل التجار** - اینجا اگر بخواهید خوب احتیاط کرده باشید باید بنویسید که ابتداء و انتهای قبطان بکشند و سر قبطان رالاک با سرب بکشند در نظام نامه اش لابد است اما اینکه بنویسند و قبطان بکشند این هیچ معلوم نیست که کجای او قبطان کشیده شود و این عبارت قبطان کشیدن یک عبارتی است که بنده می بینم بعضی از آقایان هنوز ملفت نیستند که قبطان کشیدن یعنی چه - دفتري را که قبطان میکشند باین طور که صفحات اول و آخرش را سوراخ میکنند آنوقت دیگر احتمال میدهم که این زحمات نباشد و معلوم میشود که این صحیح است یا صحیح نیست.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - بنده که درست مطلع نیستم لکن گویا این مصطلح است که دفتر قبطان کشیده و قبطان نکشیده این باید دفتر قبطان کشیده باشد.

**سلیمان میرزا** - در کمیسیون که این ماده را نوشتیم بهیچوجه نظر کمیسیون باین نبود که امضای ثبت اسناد بیرون و تمام این اوراق را امضاء کند و این کار هم فایده ندارد غیر از زحمت تصور ثبت اسناد را در يك محل بفرمائید آنوقت هر اظهاری را که میخواهید بفرمائید وقتی که تمام اسناد محکمت ماملاتش بنا شود در دفتر ثبت شود آنوقت ما مجبور کنیم که هر صفحه آنرا قانوناً محکمه ابتدائی باید مهر و امضاء بکند آنوقت ملاحظه بفرمائید چند محکمه ابتدائی لازم داریم که بیرون فقط دفتر مهر کنند و کار دیگری نکنند ملاحظه عايش را هم بفرمائید ولیکن ملاحظه که در آنجا بود فقط این بود که دفتر را بنویسند و اول و آخرش را رسماً مهر کنند و عدد صفحاتش را معین بکنند دیگر همان ندارم که این را که اینجا قید بکنیم جز زحمت فایده داشته باشد و يك چیزی هم برود چه میافزائیم که چند محکمه ابتدائی تأسیس شود برای مهر کردن دفتر ثبت اسناد.

**فهیم الملک** - بنده عرض می کنم که فقط مهر اداره را میزنند و امضاء اداره مرسوم است و این مسئله قانون ثبت اسناد در همه جا معمول است که تمام صفحات از مهر داشته باشد و شاید ملاحظه این بوده است که يك نمره آن از بین نرود و خیلی ملاحظاتی داشته است ولی بنده عرض می کنم دفاتر ثبت اسناد و قانون ثبت اسناد و مهر مملکتی بوده است آخر هر صفحه يك مهر اداره را دارد این

نوشتن مغیرتی ندارد بکفایتون دیگری که برای کلیه دفاتر وضع کنید.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - چون خواستم که معلوم باشد که چه نتیجه از این مهری که در آخر دفتر خواهد خورد بدست می آوریم و برای او يك بودجه در نظر بگیریم و رأی بدعیم شاید بزرگترین نتیجه که در نظر گرفته شد که عدد صفحات را معین کنند در آخر صفحه برای این است که بعد يك مطلبی بآن ضمیمه نتوانند بکنند و برای این است که بنده هم عقیده هستم بآن اشخاصی که مهر در آخر صفحات را لازم می دانند مع اصلاح ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت گردید.

ماده ۲۳ - دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن نمره دار و به مهر اداره مهور و در اول و آخر صفحه آخر شماره اوراق را معین و ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدائی و امضای آن بوده مهر رسمی محکمه مهور باشد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده ۲۳ هر کس از آقایان بطریقی که قرائت شد تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

ماده ۲۸ از پیشنهاد وزیر - دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن نمره دار و به مهر اداره مهور و در اول و آخر صفحه آخر شماره اوراق را معین و ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدائی و امضای آن بوده مهر رسمی محکمه مهور باشد.

محل آن همان اداره ثبت اسناد است ممکن است يك وقتی محکمه قرار بدهد که پروات تجارتي را هم که نخواهند پروتست کنند در آنجا باشد و اینجا اسمی از او نیست.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - در مواد بعد خواهد آمد.

**حاج سید ابراهیم** - آن اسنادیکه ثبت شده است معاکم عدلیه رسمیتی بآنها خواهد داد پس لازم است اگر که در يك جایی اسنادیکه ثبت شده است ثابت شده که جمع است صورت اینترام لازم است ثبت بکنند و در این جا هم اسمی از آن برده نشده این لازم است بجهت اینست که باطل کنند اصابت اسنادی را که جمع است و این يك دفتر علیهمه می خواهد مثل ورشکستگی اینترام است آقای مغیر بیان بفرمائید والا يك چیزی زیاد بکنند.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - حکمی که از محکمه صادر می شود در دو سه ثبت و در اداره اجراء هست و درست آن شخص صاحب سند هم هست آن صاحب سند می خواهد ببرد و در ثبت اسناد ثبت می کنند نمی خواهد نمیکند اینهم يك سندی است در دست او و يك دفتر دیگری علیهمه نمی خواهد در آن ثبت دفتر توضعی بخوانند بنده عرض کنم.

**حاج سید ابراهیم** - در آن ثابتاً و ثابتاً اگر لفظ احکام زیاد شود ایراد بنده وارد نیست **حاج شیخ ابراهیم** - چون ضرورت اقتضاء میکند که در ماده او اینکه واضح باشد مذاکره شود بنده عرض میکنم که نسبتین قلم است (نسخستان بنویسند) [نسخستان اصلاح شد].

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بآن ماده ۲۴ هر کس از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

**نایب رئیس** - شور در بقیه این قانون میباشد برای جلسه آتی - جمعی از آقایان قریب (۱۷) نفر تقاضا کرده اند که چند کلمه در باب قانون نیک مذاکره بکنند ولی خواهش میکنم که خیلی بطریق اختصار مذاکره بفرمائید که مطلب مهم دیگری هم هست که باید در آن مذاکره کرد.

**آقای میرزا اسدالله خان** - بنده در ابتدای مجلس وقتیکه پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مدیر حزب دموکرات خوانده شد عرض کردم این پیشنهاد نمی تواند بکمیسیون مبتکرات برود حالا اولاً باید دلیل قانونی آنرا عرض کنم بعد چون این پیشنهاد بعضی سوء تفاهم ها را سبب خواهد شد لازم است که شرحی هم بعد از آن عرض کنم اولاً چیزهایی که بکمیسیون مبتکرات باید برود آنها نیست که باید ابتکار بشود نه اینکه پیشنهاد بکنند که يك مالیاتی را مبدل کنند بيك مالیات دیگری و از این گذشته ماده ۳۳ نظامنامه داخلی می نویسد که هر طرحی را که نماینده پیشنهاد میکند باید بطرز قانونی ماده ماده نوشته شده و دارای مقدمه که متضمن دلایل آنست بوده باشد طرح مذکور پس از اینکه ۵ نفر مذاکره آنرا تصویب کرده باشند کتباً رئیس داده میشود رئیس میتواند آنرا بکمیسیون مبتکرات رجوع

و **وکیل التجار** - این جا بنده يك دفتر دیگری لازم می دانم که آن دفتر تعرض یعنی دفتر پروتست اسنادیکه و همدشان گذشته و ترسیده است که او هم همیشه در اداره مباشرت ثبت خواهد بود و محل احتیاج این هم زحمتی برای اداره نخواهد داشت نهایتاً هر محکمه یا اداره را میزنند پای صفحات می فرستند پیش مأمورین لازمست که مأمورینی که آنجا هستند مهر بکنند.

نماید پس بموجب ماده ۳۳ نظامنامه داخلی این پیشنهاد نمیتواند بکمیسیون مبتکرات برود برای اینست که این ماده بنا میگوید که هر پیشنهادی که میشود باید دارای این شرایط باشد یعنی ماده بهتر نوشته شود و دارای مقدمه استدلالي باشد و این پیشنهاد يك طرح یا لایحه قانونی نیست بلکه يك تکلیفی است که بهیئت دولت میکنند که يك مالیاتی را مبدل کنند بمالیات دیگر و از طرف دیگر هم خیلی اظهار امید واری و تشکر می کنم از شاهزاده سلیمان میرزا که از طرف فرقه شان بعد از تهر بیات که در این مالیات کرده اند آنها را موافقت میکنند یعنی اول ملقات شده اند اگر چه بنظر بنده می آید اینست که این مسئله بواسطه يك ضبط مسلکی بوده است که در آن موقع شده است یعنی در آنوقت مالیات قیر مستقیم را مضر نمی دانستند و امروز بواسطه آن يك خط در مقام بر آمده اند که این مالیات قیر مستقیم از میان برداشته شود مع هذا لازم است چون مطالبیکه در پارلمان گفته میشود اهمیت دارد و ممکن است در خارج منتج سوء عواقب شود این مسئله را عرض کنم در اول تشکیل هیئت مدیره که هنوز پارلمان افتتاح نشده بود همین حزب دموکرات که هنوز اسمی برای خودشان معین نکرده بودند باسم لوله کشی میخواستند چهار عباسی مالیات بگوش وضع بکنند که لوله کشی بشود بهیئت قسم سعی می کردند که مالیات نواقف با آن شدت از مجلس بگذرد و بعد از آن همین مالیات نیک بود که حزب مایهتی حزب اکثریت با کمال جدیت مانع بود و همیشه مدافعه می کرد از اینکه این مالیات امروزه صلاح نیست و حزب دموکرات همیشه دفاع میکردند و شاید این اظهار بنده صورت مجلس های آنوقت که الان هم حاضر است تا اینکه بهر طوری بود آنرا گذرانند و ثابتاً این پیشنهادی که از طرف شاهزاده سلیمان میرزا شده است الان يك سوء اثری در خارج خواهد داشت و آن اینست که چون در پارلمان مذاکره میشود که این مالیات نسخ بشود بیشتر ملت عدم پیشرفت اینکار خواهد شد در صورتیکه ما می دانیم که روزی مادر این خصوص پیشنهادی می کنند و اصلاح این مسئله را می خواهند و نظر باینکه اقلیت همیشه به اشد رعایت و ملاحظه اوضاع مملکت را میکند و لازم است عرض کنم که در چند روز قبل و الاحضرت اقدس آقای نائب السلطنه لایحه را که در اینجا پیشنهاد کردند این مسئله را خوب واضح می کند که ما نباید فقط هم خود را صرف این بکنیم که همانطوریکه در فرانسه است طوری باهم ضدیت بکنیم که از برای هیئت دولت اسباب و هم پیشرفت کار بشود و آنچه را که محل احتیاج است از لایحه ایشان بطور تکرار میخوانم که بنویسند که حتماً در موقع پیشنهاد مطالب مهمتر نیز قبل از آنکه وزراء بمذاکره معانی اقدام نمایند بدو باید از خیالات مجلس بخصوص از عقاید اکثریت در آن موضوع مطلع بوده بقتة گرفتار مخالفت مجلس نماینده هکذا از طرف قوه مقننه نیز باید ملاحظاتی دقیقه نسبت باوضاع مملکتی حاصل آمده در هر امری از اشکال تراشی بهیئت وزراء صرف نظر نمایند تا فوّه مجریه بانیکه بقوه مقننه که حقیقتاً نیکه به تمام آراء ملت است مقاصد خود

حاج وکیل التجار - چون خواستم که معلوم باشد که چه نتیجه از این مهری که در آخر دفتر خواهد خورد بدست می آوریم و برای او يك بودجه در نظر بگیریم و رأی بدعیم شاید بزرگترین نتیجه که در نظر گرفته شد که عدد صفحات را معین کنند در آخر صفحه برای این است که بعد يك مطلبی بآن ضمیمه نتوانند بکنند و برای این است که بنده هم عقیده هستم بآن اشخاصی که مهر در آخر صفحات را لازم می دانند مع اصلاح ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت گردید.

ماده ۲۳ - دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن نمره دار و به مهر اداره مهور و در اول و آخر صفحه آخر شماره اوراق را معین و ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدائی و امضای آن بوده مهر رسمی محکمه مهور باشد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده ۲۳ هر کس از آقایان بطریقی که قرائت شد تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

ماده ۲۸ از پیشنهاد وزیر - دفاتر ثبت باید قبطان کشیده و صفحات آن نمره دار و به مهر اداره مهور و در اول و آخر صفحه آخر شماره اوراق را معین و ممضی با امضای رئیس محکمه ابتدائی و امضای آن بوده مهر رسمی محکمه مهور باشد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده ۲۴ هر کس از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

**نایب رئیس** - شور در بقیه این قانون میباشد برای جلسه آتی - جمعی از آقایان قریب (۱۷) نفر تقاضا کرده اند که چند کلمه در باب قانون نیک مذاکره بکنند ولی خواهش میکنم که خیلی بطریق اختصار مذاکره بفرمائید که مطلب مهم دیگری هم هست که باید در آن مذاکره کرد.

**آقای میرزا اسدالله خان** - بنده در ابتدای مجلس وقتیکه پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مدیر حزب دموکرات خوانده شد عرض کردم این پیشنهاد نمی تواند بکمیسیون مبتکرات برود حالا اولاً باید دلیل قانونی آنرا عرض کنم بعد چون این پیشنهاد بعضی سوء تفاهم ها را سبب خواهد شد لازم است که شرحی هم بعد از آن عرض کنم اولاً چیزهایی که بکمیسیون مبتکرات باید برود آنها نیست که باید ابتکار بشود نه اینکه پیشنهاد بکنند که يك مالیاتی را مبدل کنند بيك مالیات دیگری و از این گذشته ماده ۳۳ نظامنامه داخلی می نویسد که هر طرحی را که نماینده پیشنهاد میکند باید بطرز قانونی ماده ماده نوشته شده و دارای مقدمه که متضمن دلایل آنست بوده باشد طرح مذکور پس از اینکه ۵ نفر مذاکره آنرا تصویب کرده باشند کتباً رئیس داده میشود رئیس میتواند آنرا بکمیسیون مبتکرات رجوع

و **وکیل التجار** - این جا بنده يك دفتر دیگری لازم می دانم که آن دفتر تعرض یعنی دفتر پروتست اسنادیکه و همدشان گذشته و ترسیده است که او هم همیشه در اداره مباشرت ثبت خواهد بود و محل احتیاج این هم زحمتی برای اداره نخواهد داشت نهایتاً هر محکمه یا اداره را میزنند پای صفحات می فرستند پیش مأمورین لازمست که مأمورینی که آنجا هستند مهر بکنند.

نوشتن مغیرتی ندارد بکفایتون دیگری که برای کلیه دفاتر وضع کنید.

و در اصلاحات مملکتی صورت انجام بدهد - در این پیشنهادیکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا میفرمایند ممکن است بایشتهادی که از طرف هیئت وزراء خواهد شد جزئی مغالفتی داشته باشد و در موقع اجراء هیئت دولت را دچار اشکالات خواهد کرد زیرا که نمی دانیم هیئت دولت می تواند یک همچو مالیاتی را که با اینهمه زحماتی که کشیده شده است و خونهائی که ریخته شده است و امروز دارد یک صورتی پیدا می کند او را از بین بردارد دست بیک مالیات دیگری که خیلی صعب الوصول است بزند و با این که بیک اصلاحی فزانت خواهد کرد یا اینکه نمی تواند پس اینجا عرض می کنم که اولاً این پیشنهاد مطابق نظامنامه داخلی نمی تواند به کمیسیون مبتکرات برود و ثانیاً حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا عرض میکنند که این مسئله را در نظر داشته باشند که قبل از همه چیز عاقلان و اصحاب حالیه مملکتی است و از همه چیز بهتر است و اینجا گمان میکنم که این پیشنهاد یک اندازه هیئت دولت را دچار اشکالات خواهد کرد .

**سلیمان میرزا** - اجازه بدهید بنده هم دو کلمه مختصراً عرض بکنم .

**نایب رئیس** - راجع اظهارات خودتان می خواهم توضیح بدهید .

**سلیمان میرزا** - بله راجع به عرایض خود می خواهم توضیحی عرض کنم این هائی را که آقای

آقا میرزا اسدالله خان فرمودند روح بنده که از آن خبر ندارد و گویا هیچکس همچو چیزی را نگفته باشد - اولاً این که فرمودند مطابق ماده ۳۳ نظامنامه

داخلی این پیشنهاد می تواند بکمیسیون مبتکرات رجوع بشود فقط اشکالی که کردند اینست که بطور

مواد نوشته شده است استماع میکنم از آقایان منشی ها که یک کلمه ماده اول بعد از مقدمه بنویسند

که ماده اول حذف مالیات نمک تا اینکه بفرمایش ایشان صورت قانونی پیدا بکند و بشود بکمیسیون

رجوع کرد و یکی دیگر اینکه بعضی نسبتها بفرقه بنده دادند و بعضی مراتب ذمه ها از فرقه خودشان

جستند ما تعجب میکنیم از آنچه که از اباب جرائدی جهت باشخاص نسبت میدهند که هیچ مناسبتی

ندارد در صورتی که آنها در خارج هستند و غالباً در در اینجا در اول مجلس اظهاراتی میشود و در آخر

مجلس باره اظهارات برود آن گفته میشود و باره نسبت ها با آن گرفته داده می شود که گذشته از این

که گوییم هیچ خبری از آن ندارد گویا از کلماتش هم چنین چیزی فهمیده نشود بنده گمان میکنم در

همه عالم خیر معذرت می خواهم برای این که شاید بگویم در همه عالم - در همین این جا تصدیق کرده اند

هم آقای نایب السلطنه هم سایرین باینکه اقلیت باید تنقید بکند و اکثریت حکومت مملکت را بدست

بگیرد و حکومت بکنند و مطابق این فرمایش که آقای میرزا اسدالله خان میفرمایند که لازمست ملاحظه

ارضا حالیه مملکت را اقلیت بکند فردا اگر لواجی پیشنهاد شد و ما بخواهیم تنقید بکنیم

ایشان همین فرمایش را خواهند کرد پس مطابق این فرمایش که امروز می فرمایند اینست که

از امروز نمایندگان اقلیت مجسمه هستند برای این که اگر يك كلمه حرفی را که بزنند خواهند فرمود که شما این حرف را زدید سب شد که فارس اغتشاش شد فلان وزیر از عهده کار بر نیامد برای اینکه شما تنقید کرده اید گریانست که خوبست اکثریت که فاطح همه چیز است يك آری هم در این خصوص بنده که دو کلمه باشد که اقلیت باید لال باشد تا اینکه اقلیت هم تکلیف خودش را بداند تا اینکه اکثریت هر چه میخواهد بکند و اقلیت هیچ حرفی نزند و لال باشد نظامنامه داخلی شما بهر میزان از نظر آن نمایندگان حق پیشنهاد کردن يك طرحی را داده است قانون اساسی هم همین قسم میگوید حالا اکثریت می گوید که این حق را اقلیت نداشته باشد بسیار خوب رای بدهید که نداشته باشد و الا این يك پیشنهاد است که شده است اگر ملاحظه بفرمائید خواهد دید که بیش از یازده نفر هم آنرا امضاء کرده اند و بموجب همان نظامنامه که این حق را بنمایند گمان داده است هیچکس نمیتواند حرفی بزند باید برود بکمیسیون بعد آرائی که برگشت اگر اکثریت مجلس یعنی همان اکثریتی که آقای آقا میرزا اسدالله خان جزء آن اکثریت هستند با وجود اینکه این پیشنهاد از طرف اقلیت شده است موافقت کرد با این پیشنهاد و تصویب کرد که تمام مطالب و الا رد می شود و هیچ محتاج باین مذاکرات نخواهد بود - آمدیم سر این نسبتها که بجز اقل دادند فرمودند حزب اکثر بر ضد این مالیات بودند بنده عرض میکنم که این حزبها که میفرمایند هنوز هم مجهولست بالله چه چیزیکه مجهول است چطور می شود آنرا حزب سیاسی گفت بنده در حضور آقای نایب السلطنه عرض کردم در اینجا هم مکرر عرض کردم و باز هم تکرار میکنم که بنده هنوز این هیئت را بلوک میدانم و در این بلوک غیر از فرق سیاسی اشخاص مختلف هستند و بنده هنوز تمیز مابین این اشخاص مختلفه و احزاب را نداده ام تا اینکه تصدیق بکنم آقای آقا میرزا اسدالله خان را که حزب اکثریت همیشه در موقع وضع مالیاتهای غیر مستقیم مدافعه نموده است کجا بنده این حزب اکثریت سیاسی که ایشان جزء آنها هستند بنده الان در میان این ائتلاف این بلوک بجز چند نفر که خودشان را با استقلال معرفی کردند نمی دانم چند نفر از این بلوک از حزب اجتماعیه و اعتدالیون است چند نفر از اجتماعیه و عامیون است و چند نفرشان از حزب اتفاق و ترقی باقیه آمدیم بر اینکه فرمودند این مالیاتها بفرقه اقلیت از مجلس گذرانند فرقه دموکرات همچوقت در مجلس اکثریت نداشته بنده در کمیسیون عالی نبوده ام تا اینکه عرض کنم چطور نبوده است اشخاصیکه بوده اند می دانند وظیفه مجلس هم اگر باشد که در آن خصوص مذاکره بکنند آنها نقطه نقطه می توانند شرح بدهند اما آنچه که راجع به مجلس است و بنده از آن اطلاع دارم اینست که حزب دموکرات تا بحال همچوقت در مجلس اکثریت نداشته است و هر مالیاتی که از حزب دموکرات گذشته است لابد با همراهی اکثریت به آنها بوده است که گذشته است و بنا بر این آن مالیاتی را که گذشته است نمی توانند بدهند يك

فرقه بگذارند علی الخصوص بگردن فرقه دموکرات و اگر مقدمه پیشنهادی که بنده تقسیم کرده ام ملاحظه بفرمائید می دانید که در کمال نزاکت است بهیچوجه نسبتی با اکثریت یا اقلیت داده نشده است که يك تصویب بگردن اکثریت گذاشته باشد یا اینکه برائت ذمه از اقلیت جسته باشد بلکه پیشنهاد بنده این بود که در زمانی که پیشنهاد استقرض شده بود اظهارات مردم و تقاضائی که کرده بودند که امانه می خواهید بدهید و هر مالیاتی را که می خواهید وضع بکنید حاضریم بدهیم وزارت معارف آنوقت مصلحت این طور دید که يك همچو مالیاتی وضع بشود معلوم است همانطور که فرمودند در صورت مجلس ها معین است که كلی ها موافق بوده اند و كلی هادر همان زمان دفاع می کردند لیکن اشخاصیکه جزء حزب دموکرات بوده اند همیشه می دانستند که مالیات غیر مستقیم علی الخصوص چیز هائی که در اوزان عموم مدخلیت دارد حتی الامکان نباید وضع شود و استماع می کنم آقایان چیز هائی را که بنده گمان میکنم که از عهده ایشان بر نمی آید در اینجا اظهار نکنند ولی میخواهم ببینم که آقای آقا میرزا اسدالله خان صورتهای مجلس را باورند و در آنجا معین بفرمایند یکی از هیئت مؤلفه در مالیات نمک همراهی نکرده است آنوقت این تصمیم را بگذارید بگردن فرقه دموکرات خوبست يك فرمایش بفرمایند منطقی باشد بجزود به يك طرفی فشار وارد نباشد و اولاً اینکه در اکثریت باشند صورت مجلس حکمت و معین میکنند که در آنروز چه اشخاصی در این خصوص همراه بوده و کجا مخالفت کرده اند همین گذشتن این قانون از مجلس خودش دلیل است که از این بلوک هم همراهی شده است پس چطور می توانند امروز اکثریت را در این خصوص بری القمه بخوانند حالا اگر آقای آقا میرزا اسدالله خان در آنوقت نطق عزائی نفرموده باشند شاید که يك قیام و نمود فرموده اند ولی اگر ایشان نفرموده اند جماعتی از این ۶۶ نفر محققاً کرده اند و تأکید کرده اند که زودتر بگذرد اما در خصوص مالیات نوافل که فرمودند تعجب میکنم از اینکه گمان میکنم که آقای میرزا رضی قلبخان که الان مجلس را افتتاح کرده اند آنوقت تعجبش بوده اند و تعجب میکنم از اینکه بازم مالیات نوافل مثل مالیات نمک است و از نظر سیاسی يك فرقه خصوص فرقه دموکرات که همیشه اقلیت داشته است نگذاشته است و باز یکانه دلیلی که تمام اظهارات ایشان را رد خواهد کرد همانست که عرض کردم که بفرش که فرقه اقلیت در يك مسئله موافق باشند تا از اکثریت بآنها همراه نشود ممکن نیست از مجلس بگذرد پس اینکه گذشته است معلوم میشود که با مساعدت اکثریت بوده است و امروز برائت ذمه خودشان را می توانند ثابت بکنند نگویند که نمی توانند ثابت بکنند در موضوع این که میفرمایند شاید آنوقت حزب دموکرات مسلک خودشان را بنمایند که نباید در خصوص وضع این قسم مالیاتها همراهی بکنند بنده عرض می کنم که اگر فرمایش ایشان صحیح باشد که این حزب در آنوقت

اظهاری نکرده باشند و شاید آنوقت تکلیفشان را بنمایند و اگر اظهار کرده اند نظر سیاسی آنها نبوده است والا اشخاصی که داخل در این حزب هستند این نظریات سیاسی را در اوایل هم داشته اند و شاید در دومشروطیت هائی که ابتداء شروع به این عمل بوده است تقریباً همین مقاصد را که امروز دارند داشته اند را که نگاه بجزوه هائی که در آنوقت هر يك در منزل های خودشان نوشته اند بفرمائید عرایض بنده را تصدیق خواهید کرد مخصوصاً جزوه هائی را که خود بنده در آنزمان در این خصوص نوشته ام و الان در کتابخانه بنده موجود است و اگر بخواهید ممکن است بفرستید از آنجا بیورند و ملاحظه بکنید که در تاریخ ۱۳۲۴ نوشته شده است خواهی دید که همین مطالب را داراست پس خوبست آقای آقا میرزا اسدالله خان اینطور نسبتها را بیک فرقه ولو اینکه در اقلیت است نماند اما آمدیم در موضوع اوضاع مملکت که فرمودند خوبست اقلیت ملاحظه اوضاع مملکت را بکنند بنده این را مکرر گفته ام الان هم می گویم بازم خواهم گفت مسئول اوضاع مملکت اکثریت مجلس است که امروز در غلظت شده است و هیئت دولت را تشکیل میکنند مسئول انضام امور مملکت همین اکثریت ثابتی است که دارای ۴۹ رای است نه فرقه دموکرات که در اقلیت و مع است و دیگر بعد از این اکثریت نمی تواند بگوید عین الدوله دموکرات بوده حیر عین الدوله دموکرات نبود و همچوقت هم دموکرات نخواهد شد از راه همین پذیرفت و از وقتیکه این کابینه تشکیل شد حضرت والا عین الدوله و فرما فرما داخل آن شده اند قبل از آن هیچوقت حزب دموکرات اکثریت نداشته است و حالا هم اکثریت ندارد و مسئول اوضاع مملکت نبوده و نسبت و اینکه می گویم مسئولیت با آنها نیست نه اینست که آنها نمی توانند امور را از ترتیب خودش خارج بکنند بلکه وظیفه اقلیت تنقید است در موقع تنقیدات در نهایت آزادی تنقید خود را میکنند ولی همینکه اکثریت رای داد آنرا اطاعت می کند و در تحت آفتابون داخل می شود و آن قانون را مطرح می سازد برای اینکه اساس حکومت دموکراسی بر اکثریت است منتهی حزب دموکرات آرزو میکنند که هر وقتیکه اکثریت با حزب دموکرات شد آن مطالبیکه بنظر آنها خلاف نظرات سیاسی بوده است از راه قانون و با ترتیبات قانونی آنها را بر گردانند ولی این آرزو است در آرزو هم هیچکس نمی تواند از آنها منع بکند آرزو میکنند که آرزوییکه حزب دموکرات دارای اکثریت پارلمانی شد تمام مالیاتهای غیر مستقیم و چیز هائی را که بر خلاف نظریات سیاسی او گذشته است بر گرداند بآخر کاری را که دلش می خواهد مثل اینکه اکثریت امروز هر کاری را بخواهد میکند اما اینکه می فرمایند رعایت حال مملکت را اقلیت باید بکند در پیشنهاد بنده که بهیچوجه این ملاحظات نشده است این يك مالیاتی است که بنده پیشنهاد میکنم که برداشته شود اگر اکثریت موافقت کرد و تصویب شد که نم مطالب و الا بر نمی دارند و بهیچوجه راجع

بر رعایت یا عدم رعایت اوضاع مملکتی نیست اگر وزراء آمدند و مناسب دیدند و گفتند که هیچ ضرری در این خصوص متوجه نمی شود بر می دارند والا بر نمی دارند اما در موضوع اشکال تراشی بنده نمی دانم اینکه پیشنهاد می شود که مالیات نمک حذف شود این چه اشکال تراشی است برای دولت در صورتیکه چنانچه گفته شد دولت خیال داشته باشد که این مالیات را تخفیف بدهد یا حذف بکند آنوقت ما بواسطه این پیشنهاد اشکال تراشی نکرده ایم بلکه مساعدت کرده ایم اگر سبب خیال انعام در يك مطلبی داشته باشد و يك نماینده در آن خصوص يك پیشنهادی به مجلس بکند آیا انصاف آنرا مساعدت باید بگویند یا اشکال تراشی اینها خوبست درست ملاحظه بکنند آنوقت اگر دیدند که اشتباه کرده اند این اظهار خودشان را پس بکنند اما در موضوع یادداشت والا حضرت اندس آقای نایب السلطنه بهیچوجه آنچه را که ایشان فرمودند راجع باین موضوع نیست بنده استماع می کنم که مابقی آنرا هم بخوانند و يك فدوی پیشتر در آن وقت گفتند زیرا که در آنجا بی اندازه دقت شده است و آنروز هم که نسیم خوردند در آنجا فرمودند که نباید فرق سیاسی احلاف نظر خودشان در نهایت نزاکت بپوشند و ملاحظه کنند که ارجح نژادت خارج نشده و داخل در حدود نمرسات شخصی یا غیر اساسی نباشد و بنا بر این بنده استدعا می کنم که با وجود اینکه این پیشنهاد در دال نزاکت تقدیم شده است این ملاحظه را بفرمایند نه چون فرقه اقل این پیشنهاد را کرده است اساسی بنظر نمی آید و حکما باید رد شود برای اینکه اگر اینطور باشد باید این مسئله دیگر اینجا نباید ولی اینطور نیست هر پیشنهادیکه از طرف يك نماینده شد و با دلیل و برهان بود باید رجوع شود بکمیسیون بعد که مجلس آمد رد و قبول آن معلوم بشود و در هر صورت این دفعه چهارم و پنجم است که تکرار می کنم و عرض می کنم که اکثریت مسئول تمام کار های این مملکت است و بهیچوجه زحلی بساقلیت ندارد بلکه وظیفه اقلیت اینست که از کارهای اکثریت استفاده بکند و تنقید بکند اعمال اکثریت را و ما از این حق خودمان نا وقتیکه اکثریت ما را مجرم نکرده است دست بر نخواهیم داشت لکن اگر اکثریت يك قانون مخالف نظریات سیاسی اقلیت پیشنهاد بکند و با اکثریت بگذارند آنرا هم اطاعت می کنیم و وقتی هم که اکثریت رای داد که اقلیت حق تنقید ندارد مجسمه خواهیم شد

**آقای اسدالله حسین اردبیلی** - بنده اخطار قانون اساسی دارم .

**نایب رئیس** - بفرمائید .

**آقای اسدالله حسین اردبیلی** - بنده گمان میکنم که مذاکرات ما در این موضوع نتیجه ندارد برای اینکه این يك پیشنهادی است که شده است و مطابق قانون باید برود بکمیسیون مبتکرات که بسبب این خصوص نیست گمان میکنم که هیچ مخالفی در این خصوص نیست منتهی ایرادیکه شده بود این بود که در ماده ۲۴

**مقرر السلطنه** - بنده قبل از آنی که داخل در این موضوع بشوم يك مطلبی را که شاید حق آقای نایب رئیس بوده است بفرمایند اجراء بفرماید که عرض کنم نه ای آقای اسدالله حسین اردبیلی به بهانه اضطراب قانونی يك مصلحتی فرمودند در صورتیکه

هنگام ایشان راجع باحظار قانونی که نبود سهلست خیلی فر قانونی بوده و این وسیله در صورتیکه بوقت ایشان نرسیده بود بنصق مصلحتی لردند در اینجا اغلب دیده میشود که مجلس شورای ملی را مهمل بیت مجلس معارضه می شود یعنی يك نفر از نمایندگان

که يك نظری می کند صرف نظر از مقصود و مقصد صرف نظر از اینکه در چه خطی بترتیب قانونی ممکن است داخل بشوند بعضی یادداشتها می کنم که جواب عبارات و الفاظ است ولی از موضوع مطلب خارج است آنوقت بر می خیزم و بیبسی مطالب شخصی هم میرد از دم در صورتیکه این ترتیب خیلی ترتیب است مثل اینکه در اظهارات آقای آقا میرزا اسدالله خان

بهیچوجه اسمی از شاهزاده عین الدوله نبود و لزومی هم نداشت که از ایشان اسمی برده شود همچنین در خصوص مسئولیتی که گفتند مکرر در آنجا گفته شد آیا چند دفعه دیگر باید از این محل نطق گفته شود که اقلیت مسئول هست یا اینکه مسئول نیست چند مرتبه

باید گفته شود که این اکثریتی که حالا تشکیل شده است در سابق موجود نبوده یا ثابت نبوده است تمام اینها را ما گفتیم دیگر در این موقع جای این مذاکره نبود اما این مطلب خیلی ساده است يك پیشنهادی

شده است از طرف حزب دموکرات و خواننده شد و خیلی هم قابل تفسیر است و موافقت با مقصود اکثریت دارد و اکثریت فوق العاده مایلست باینکه عمل نیک اصلاح بشود و هیچ دلیلی هم بهتر از این نیست که

بترسط نمایندگان خودشان با هیئت وزراء در این خصوص مذاکره کرده اند و در پروگرام هیئت وزراء یکی از مطالب همین خواهد بود پس در این صورت گمان میکنم که هیچ مخالفی در این خصوص نیست منتهی ایرادیکه شده بود این بود که در ماده ۲۴

**آقای اسدالله حسین اردبیلی** - بنده اخطار قانون اساسی دارم .

**نایب رئیس** - بفرمائید .

**آقای اسدالله حسین اردبیلی** - بنده گمان میکنم که مذاکرات ما در این موضوع نتیجه ندارد برای اینکه این يك پیشنهادی است که شده است و مطابق قانون باید برود بکمیسیون مبتکرات که بسبب این خصوص نیست گمان میکنم که هیچ مخالفی در این خصوص نیست منتهی ایرادیکه شده بود این بود که در ماده ۲۴

**مقرر السلطنه** - بنده قبل از آنی که داخل در این موضوع بشوم يك مطلبی را که شاید حق آقای نایب رئیس بوده است بفرمایند اجراء بفرماید که عرض کنم نه ای آقای اسدالله حسین اردبیلی به بهانه اضطراب قانونی يك مصلحتی فرمودند در صورتیکه

هنگام ایشان راجع باحظار قانونی که نبود سهلست خیلی فر قانونی بوده و این وسیله در صورتیکه بوقت ایشان نرسیده بود بنصق مصلحتی لردند در اینجا اغلب دیده میشود که مجلس شورای ملی را مهمل بیت مجلس معارضه می شود یعنی يك نفر از نمایندگان

که يك نظری می کند صرف نظر از مقصود و مقصد صرف نظر از اینکه در چه خطی بترتیب قانونی ممکن است داخل بشوند بعضی یادداشتها می کنم که جواب عبارات و الفاظ است ولی از موضوع مطلب خارج است آنوقت بر می خیزم و بیبسی مطالب شخصی هم میرد از دم در صورتیکه این ترتیب خیلی ترتیب است مثل اینکه در اظهارات آقای آقا میرزا اسدالله خان

بهیچوجه اسمی از شاهزاده عین الدوله نبود و لزومی هم نداشت که از ایشان اسمی برده شود همچنین در خصوص مسئولیتی که گفتند مکرر در آنجا گفته شد آیا چند دفعه دیگر باید از این محل نطق گفته شود که اقلیت مسئول هست یا اینکه مسئول نیست چند مرتبه باید گفته شود که این اکثریتی که حالا تشکیل شده است در سابق موجود نبوده یا ثابت نبوده است تمام اینها را ما گفتیم دیگر در این موقع جای این مذاکره نبود اما این مطلب خیلی ساده است يك پیشنهادی

است و باید اصلاح شود و یا اینکه آنرا قابل توجه ندانست که رد می کند و محتاج باصلاح هم نخواهد بود در هر صورت مذاکره ما در اینجا فعلاً هیچ موضوعی ندارد و نظیر اینهم یکی از آقایان در سابق راجع به نظام نامه داخلی يك پیشنهادی کرده بود رجوع شد بکمیسیون مبتکرات حالا از آقای آقا میرزا اسدالله خان تشکر می کنم که يك اندازه وظیفه کمیسیون مبتکرات را بعمل آورده اند یعنی اظهار کرده اند که این پیشنهاد قانونی ندارد ولی برای اینکه بترتیب قانونی نزدیکتر باشد خوبست که بکمیسیون مبتکرات رجوع بشود بنده چون مقبر آن کمیسیون هشتم تقاضای کنم که این را بکمیسیون مبتکرات رجوع بفرمائید که عقیده کمیسیون در این خصوص معلوم بشود

**نایب رئیس** - اینجا پانزده نفر تقاضا کرده اند که حق بکنند ولی گمان می کنم اگر آقایان تصدیق بفرمایند مذاکره در این خصوص کایست و همینطور این را رجوع بکمیسیون می کنم ( گفتند مذاکره کافی است )

**مقرر السلطنه** - بنده قبل از آنی که داخل در این موضوع بشوم يك مطلبی را که شاید حق آقای نایب رئیس بوده است بفرمایند اجراء بفرماید که عرض کنم نه ای آقای اسدالله حسین اردبیلی به بهانه اضطراب قانونی يك مصلحتی فرمودند در صورتیکه

هنگام ایشان راجع باحظار قانونی که نبود سهلست خیلی فر قانونی بوده و این وسیله در صورتیکه بوقت ایشان نرسیده بود بنصق مصلحتی لردند در اینجا اغلب دیده میشود که مجلس شورای ملی را مهمل بیت مجلس معارضه می شود یعنی يك نفر از نمایندگان

که يك نظری می کند صرف نظر از مقصود و مقصد صرف نظر از اینکه در چه خطی بترتیب قانونی ممکن است داخل بشوند بعضی یادداشتها می کنم که جواب عبارات و الفاظ است ولی از موضوع مطلب خارج است آنوقت بر می خیزم و بیبسی مطالب شخصی هم میرد از دم در صورتیکه این ترتیب خیلی ترتیب است مثل اینکه در اظهارات آقای آقا میرزا اسدالله خان

بهیچوجه اسمی از شاهزاده عین الدوله نبود و لزومی هم نداشت که از ایشان اسمی برده شود همچنین در خصوص مسئولیتی که گفتند مکرر در آنجا گفته شد آیا چند دفعه دیگر باید از این محل نطق گفته شود که اقلیت مسئول هست یا اینکه مسئول نیست چند مرتبه

باید گفته شود که این اکثریتی که حالا تشکیل شده است در سابق موجود نبوده یا ثابت نبوده است تمام اینها را ما گفتیم دیگر در این موقع جای این مذاکره نبود اما این مطلب خیلی ساده است يك پیشنهادی

شده است از طرف حزب دموکرات و خواننده شد و خیلی هم قابل تفسیر است و موافقت با مقصود اکثریت دارد و اکثریت فوق العاده مایلست باینکه عمل نیک اصلاح بشود و هیچ دلیلی هم بهتر از این نیست که

بترسط نمایندگان خودشان با هیئت وزراء در این خصوص مذاکره کرده اند و در پروگرام هیئت وزراء یکی از مطالب همین خواهد بود پس در این صورت گمان میکنم که هیچ مخالفی در این خصوص نیست منتهی ایرادیکه شده بود این بود که در ماده ۲۴

**آقای اسدالله حسین اردبیلی** - بنده اخطار قانون اساسی دارم .

**نایب رئیس** - بفرمائید .

**آقای اسدالله حسین اردبیلی** - بنده گمان میکنم که مذاکرات ما در این موضوع نتیجه ندارد برای اینکه این يك پیشنهادی است که شده است و مطابق قانون باید برود بکمیسیون مبتکرات که بسبب این خصوص نیست گمان میکنم که هیچ مخالفی در این خصوص نیست منتهی ایرادیکه شده بود این بود که در ماده ۲۴

**مقرر السلطنه** - بنده قبل از آنی که داخل در این موضوع بشوم يك مطلبی را که شاید حق آقای نایب رئیس بوده است بفرمایند اجراء بفرماید که عرض کنم نه ای آقای اسدالله حسین اردبیلی به بهانه اضطراب قانونی يك مصلحتی فرمودند در صورتیکه

هنگام ایشان راجع باحظار قانونی که نبود سهلست خیلی فر قانونی بوده و این وسیله در صورتیکه بوقت ایشان نرسیده بود بنصق مصلحتی لردند در اینجا اغلب دیده میشود که مجلس شورای ملی را مهمل بیت مجلس معارضه می شود یعنی يك نفر از نمایندگان

که يك نظری می کند صرف نظر از مقصود و مقصد صرف نظر از اینکه در چه خطی بترتیب قانونی ممکن است داخل بشوند بعضی یادداشتها می کنم که جواب عبارات و الفاظ است ولی از موضوع مطلب خارج است آنوقت بر می خیزم و بیبسی مطالب شخصی هم میرد از دم در صورتیکه این ترتیب خیلی ترتیب است مثل اینکه در اظهارات آقای آقا میرزا اسدالله خان

بهیچوجه اسمی از شاهزاده عین الدوله نبود و لزومی هم نداشت که از ایشان اسمی برده شود همچنین در خصوص مسئولیتی که گفتند مکرر در آنجا گفته شد آیا چند دفعه دیگر باید از این محل نطق گفته شود که اقلیت مسئول هست یا اینکه مسئول نیست چند مرتبه

باید گفته شود که این اکثریتی که حالا تشکیل شده است در سابق موجود نبوده یا ثابت نبوده است تمام اینها را ما گفتیم دیگر در این موقع جای این مذاکره نبود اما این مطلب خیلی ساده است يك پیشنهادی

شده است از طرف حزب دموکرات و خواننده شد و خیلی هم قابل تفسیر است و موافقت با مقصود اکثریت دارد و اکثریت فوق العاده مایلست باینکه عمل نیک اصلاح بشود و هیچ دلیلی هم بهتر از این نیست که

نظامنامه نوشته شده است که هر پیشنهادیکه می شود باید دارای مقدمه استدلالی بوده و بصورت مواد نوشته شده باشد و این پیشنهاد ماده بنامه نوشته شده است آنرا هم بطوریکه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند هیچ اهمیت ندارد برای اینکه مقدمه استدلالی را که داراست و برای آماده در آوردن هم ممکن است خودشان بعد از آنی که بکمسیون رفت به صورت ماده در بیاروند پس به چوچه دیگر محتاج بدانکاره نخواهد بود فقط چیزیکه در اینجا لازمست گفته شود اینستکه جهت ندارد ما مطالب اساسی و مطالب مهم مملکتی را داخل در شخصیات بکنیم و اگر بخواهیم اینقسم مشی بکنیم کار خیلی به می شود شاید بنده هم بتوانم بگویم که در آنوقت وزیر که این مالیات ملک را پیشنهاد کرد در سه تومان پیشنهاد کرد و شاید یکی از همین نمایندگان حزب دمکرات بوده که پیشنهاد کرد که در شش تومان چهار هزار تصویب شود و شاید تا اینجا هم که عرض کردم خوب نبود فقط برای این بود که نباید یک دسته تعرض یکدسته دیگری بشود و این نسبت را یکدیگر بدهند در هر حال اینمطلب یکی از مطالب خوبست که پیشنهاد شده است و اطمینان هم دارم که اکثریت مجلس موافقت با این پیشنهاد و به چوچه محتاج بمذاکره نخواهد بود .

**سلیمان میرزا** - این اصحاب راجع با اکثریت بود نه با اقلیت .

**فایز رئیس** - بنده از آقایانکه اجازه نطق خواستند تقاضا می کنم که مذاکره در این مطلب را ختم کنند که بیش از این در این خصوص مذاکره نشود آقای ممتازالدوله رئیس لایحه ای مجلس نوشته اند لازمست خوانده شود آقای آقامیرزا ابراهیم خان لایحه مزبور را بجا بردن فراموش نمود .

مقام متبعض مجلس شورای ملی شیدانه ارکانه با وجود کمال آرزوی خدمتگذاری در مجلس شورای ملی رعایت مصلحت و انقضاء خدمت وطن چنانکه بنده پندگانه محترم به چوچه پوشیده نیست مستلزم استقامت این بنده از ریاست شده است و چون قبول خدمت دیگر از خدمت مملکت بر حسب تصویب نمایندگان محترم و لزوم جلوگیری از طول بعثان کابینه میشود لهذا لازم باظهار نمی دانم که استعفاء از ریاست مجلس شورای ملی گزاره گیری از خدمت نبوده بلکه بواسطه صلاح بیت وزرا منصوب نمایندگان محترم است که البته باید افکار آنها مظهر حقیقی افکار ملت بوده و امرشان مطاع باشند قبل از قبول رسمی خدمت دیگر که بنده بتوافق نقطه نظر خود بانقطه نظر نمایندگان و تطبیق آن با نظریات اولیای امور بدراقت است در اینموقع استعفاء از ریاست سندی و کالت خود را محفوظ داشته از خداوند تعالی توفیق خدمت خواسته ادعیه صمیمی خود را بشرف عرض نمایانم که محترم میرساند پنجم ربيع الاولی (اسمه بیل)

**فایز رئیس** - چون همه می دانند مقام آقای ممتازالدوله را در اینموقع لازم است خیلی اظهار تأسف بکنیم از استعفاء ایشان ولی امیدوار هستم که در هر شرفی که باشد بهمان اندازه که در مجلس خدمتگذار مملکت بودند خدمتگذار باشند از طرف

آقای رئیس الوزراء هم يك لایحه مفصلی نوشته شده است که استعفاء ایشان قبول بشود البته معلوم است که استعفاء ایشان قبول خواهد شد .

دستور جلسه آنی که روز پنجشنبه خواهد بود از این قرار است - تعیین رئیس - رایورث کمسیون معارف و رایورث کمسیون بودجه راجع بتاسیس روزنامه رسمی بقیه قانون ثبت استاد .

**جلسه ۲۳۱ (مجلس مقرب ختم شد)**

**صورت مشروح روز پنجشنبه فی شهر ربيع الاولی ۱۳۲۵**

مجلس دو ساعت نوبل از غروب بر ریاست آقای آقامیرزا مرتضی فیلیخان نایب رئیس تشکیل گردید . صورت مجلس روز سه شنبه را آقای معاضدالمملک قرائت نمود .

**فایز رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه می شود که نسبت ؟

اظهاری نشد نایب رئیس صورت مجلس را امضاء نمود .

**نایب رئیس** - چنانچه در صورت مجلس ذکر شد دستور امروز اول تعیین رئیس است و باید خاطر نمایندگان متوجه اینمطلب باشد که مقام ریاست مجلس مناسب و شایسته است که از اکثریت آراء در انتخاب آن تجاوز شده اتفاق آراء حاصل بشود باین جهت با احزاب مذاکره شده است و احزاب هم با هم مذاکره کرده اند کاندید مائی از طرف آنها معین شده است و خود آنها هم اظهار خواهند کرد و امیدوارم این نوع انتخابی که واقع میشود برای مقام ریاست خیلی شایسته باشد و همانطوریکه شایسته است بتواند اداء وظیفه خودش را بنماید .

**سلیمان میرزا** - بنده چنانکه در انتخاب گذشته در باب انتخاب رئیس عرض کردم بلزوم عرض میکنم بعضی از مقامات در مملکت پیدا میشود که آن مقامات وظیفه اش بیطرفی و مساوات است نسبت به تمام احزاب نه اینکه آن اشخاصی که دارای آن مقامات میشوند نظرات سیاسی نداشته باشند بلکه هر نظر سیاسی را که داشته باشند و در هر مسلکی که باشند چون بآن مقام نشسته اند وظیفه آن مقام اقتضا میکند که اونظرات سیاسی خود را کنار بگذارد و همه احزاب را بیک نظر نگاه بکند ام از اینکه آن نظرات و ملاحظاتی که احزاب دارند موافقت بکنند با نظرات سیاسی شخصی او یا موافقت نکنند چنانکه نظریات بنده هم دیده شده است مثل اینکه در بارلمان انگلیس که اکثریت البیرالها است و رئیس مجلس از حزب اقل است و با آنکه از حزب اقل است وظیفه خودش را کلا رعایت میکند یعنی نسبت بتمام احزاب بیطرف است و در اینجا هم عقیده حزب دمکرات اینست که مقام ریاست مقام بنای سلطنت چنانچه گفته شده است مقامش مطلق و مقام بیطرفی نسبت به تمام احزاب و عموم است بنابراین بنده از طرف فرقه دمکرات چنانکه دودعه گذشته هم پیشنهاد کرده بودم در این مرتبه هم برای انتخاب رئیس آقای مؤتمن المملک را کاندیدا میکنم و اگر نظر اکثریت هم باین کاندیدا موافق باشد تصویب بکنند امیدوارم که امروز یک رئیس بتوانیم به اتفاق آراء انتخاب کنیم و آن رئیس

هم از این بعد چون به اتفاق آراء انتخاب شده است بتواند کلا بطرف مقام خودش رفتار بکند و نسبت بیطرفی را که از وظایف این مقام است بطوریکه باید ملاحظه بکنند و دیگر جهاتی نکند که این از اقلیت انتخاب شد لابد در بعضی جاها ملاحظه اقلیت را می کنند و اقلیت هم نکند که چون از اکثریت انتخاب شده ملاحظه اقلیت را نخواهد کرد وقتی که به اتفاق انتخاب بشود دیگر این اشکالات برداشته میشود حالا بنده است بنظر اکثریت مجلس که اگر ایشان هم قبول کردند با اتفاق انتخاب خواهد شد .

**معزز المملک** - چنانکه همه میدانند ریاست مجلس بر حسب طبیعت و وظائف خودش یک مقامی است که همانطور که گفته شد اگر در انتخاب آن نمایندگان اتفاق بکنند و اتفاق آراء حاصل بشود موجب حصول خیلی خیلی اثر در در واقع اسباب تسهیل جریان امور که از اول تکالیف مقام ریاست مجلس است خواهد شد بنابراین هیئت ائتلافی مجلس شورا بواسطه همین نظری که عرض کردم و دیگر نمیخواهم شرح بدهم در اینموقع که محتاج بانتخاب رئیس شدند و در خارج هم اینمطلب را بحزب محترم دمکرات مطرح مذاکره فرار دادند متفق الرأی شدند و همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا بنام فرقه دمکرات کاندیدای خودشان را بیان کردند بنده هم از هیئت مؤتمنه و فرقه خودم عرض میکنم که کاندیدای ما هم آقای مؤتمن المملک است و ما هم درباره ایشان رای خواهیم داد و امیدوارم باین اظهاراتی که شده است در اینمورد اتفاق آراء حاصل شود .

**آقای شیخ اسمعیل** - چونکه بی طرفی هم آقای مؤتمن المملک را از خودشان میدانند تشکر می کنند از هر دو طرف که بی طرفی ایشان را تصدیق کرده اند .

**نایب رئیس** - حالا شروع میکنم بانتخاب یک نفر رئیس .

اوراق رای توزیع و بخند شده آقای حاج میرزا رضا خان فرقه آقایان حاج آقا آدینه محمد خان و نیرالسلطان را برای استخراج آراء تعیین نموده استخراج نمودند .

**معاضد المملک** - عده حضار (۷۹) آقای مؤتمن المملک با (۷۸) رای آقای ذکاء المملک با یک رای .

**نایب رئیس** - آقای مؤتمن المملک تقریباً بالاتفاق ریاست مجلس مقدس شورای ملی معین شدند (گفتند مبارک است) .

**وحید المملک** - راجع به این موضوع عرض داشتم اجازه می فرمائید .

**نایب رئیس** - بفرمائید .

**وحید المملک** - آقایانی که از طرف اقلیت و اکثریت کاندیدای خودشان را پیشنهاد کردند یک شرحی از بی طرفیت مقام ریاست بیان کردند و بنده میخواستم در این اظهارات بشاقت خودم یک دو کلمه هم از مقام ریاست عرض کنم شنیده میشود که بعضی از آقایان می گویند که رئیس باید فقط نظم مجلس را حفظ کند در این هیچ شکی نیست که نظم مجلس همیشه برعهده رئیس است لکن آقایان میدانند که این هیئت محترم قانون گذار مملکت است و قوانینی که در اینجا گذاشته میشود و از این مجلس می گذرد باید در انقضای بلاد ایران اجرا شود و ما خودمان قانونی

نشویم در رعایت تمام نکات و دقیق قانون و نظامات آنرا ملاحظه نکنیم آنطوریکه باید و ما میخواهیم شاید قوانین مان نفوذ پیدا نکنند بنده عرض می کنم اول چیزیکه بر تمام مافرض است اطاعت تمام مواد و نکات قانونست و هر شخص شاخص رئیس است که تمام مواد نظامنامه را آنطوریکه باید و شاید بموقع اجراء و ملاحظه بکنند پس اگر چه این کار در ظاهر شاید یک کار خیلی کوچک بنظر بیاید ولی در واقع که ملاحظه بکنیم می بینیم که یک کار خیلی بزرگ و مهمی است بجهت اینکه کسیکه بنشیند بکرسی ریاست و صکار باین بزرگی را اداره بکند تمام نکات قانونی و مواد نظامنامه باید ملاحظه کند تا اینکه آنطوریکه لازمست تا آنکه بتواند از ساعات و اوقات مجلس استفاده نماید پس این مقام یک مقامیست که علاوه بر شخصی که بشخص شاخص رئیس می دهد یک اهمیت فوق العاده را داراست و بنده امروز اولاً اظهار بشاقت می کنم از این انتخابی که امروز واقع شد که مافی الحقیقه امروز دارای یک رئیس شویم مثل آقای مؤتمن المملک یا آن بی طرفیت شخصی که در شخص ایشانست امیدوارم که رعایت تمام مواد قانونی و نظامنامه مجلس شورای ملی خواهد شد و دیگر اینکه از این اتفاق که امروز حاصل شد بی نوع بشارت و امید واری می توان از برای آتی حاصل نمود و این یکتای چشم زخمی است بی بدین ها و نقادین خارجی که اگر ما اختلافاتی داریم اختلافات مسلکی است و اختلافات شخصی ایشان الله نیست بواسطه اینکه کلیه نظرات سیاسی در هر امری از امور فرق دارد برای همین اختلاف نظریات سیاسی مسلک فرق می کند و اختلاف مسلک ما پیدا میشود ولی در اختلافاتی که در نظریات سیاسی پیدا می شود هیچ وجه نظریات شخصی نباید بشود و اینکه ما امروز تماماً اتفاق کردیم از برای انتخاب یک نفر رئیس برای ریاست یک مقام محترمی چنانچه عرض کردم امیدوارم که بعد از این در کلیه کارهای مملکتی همین طور اتفاق بکنیم و تمام نظریاتمان در امور سیاسی عالی باشد تا اینکه باین وسیله تمام امور مملکت خودمان را بطوریکه شاید و باید در شاهراه ترقی و سعادت بداریم .

[ع.و.م.ت.س.ین کردند]

**نایب رئیس** - حالا شروع می کنیم به شور در رایورث کمسیون معارف و بودجه راجع بر روزنامه رسمی .

**ارباب کیخسرو** - چون رئیس معین شد باید تکلیفشان معین بشود یعنی باید ایشان اطلاع داد که اگر قبول میکنند بیایند بجای خودشان بنشینند آنوقت شروع بمذاکرات شود .

**نایب رئیس** - اطلاع داد میشود .

در این موقع رایورث کمسیون معارف و کمسیون بودجه بشرحیکه ذیلامرقوم میشود قرائت گردید بتاریخ سه شنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۹ نمره ۱۳ از کمسیون معارف و اوقاف و صنایع منظره در جلسه روز پنجشنبه ۲۶ صفر با حضور آقای وزیر

علوم در خصوص ترتیب اداره و مخارج روزنامه رسمی که از وزارت داخله بمجلس تقدیم و بکمسیون معارف ارجاع شده بود مذاکرات لازم نموده نتیجه را این طور اظهار میدارد کمسیون معارف وظیفه خود را در دفع انشاء قانون روزنامه رسمی بجا آورد و دیگر رای نمیتواند بنده فقط نظریکه اظهار میکنند اینستکه روزنامه رسمی باید در وزارت داخله بتوسط اشخاصی که جزء مستخدمین دولت محسوب میشوند اداره شود و مقاطعه دادن اشخاص متفرقه از مهران جراندو غیر هم تصویب نمی کنند مخارج روزنامه رسمی را باید دولت بدهد و اگر از فروش آنهم چیزی عاید شود جزء عایدات دولت محسوب گردد بتاریخ ۲۲ صفر ۱۳۲۹ نمره ۲۸ از کمسیون بودجه بمجلس مقدس کمسیون بودجه روز چهارشنبه ۲۲ صفر دو ساعت و نیم بظهر مانده در تحت ریاست آقای آقا میرزا مرتضی فیلیخان تشکیل لایحه وزارت داخله راجع بر روزنامه رسمی قرائت عقیده کمسیون بودجه مطابقست با رایورث کمسیون معارف در اینکه روزنامه رسمی باید اداره شود در خصوص مصارف آن پس از مذاکرات لازم با اکثریت آراء بترتیب ذیل مبلغ چهار صد و سی و چهار تومان تصویب میشود ماهیانه در مدت ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود تا پس از اینکه کلا وزارت داخله از ترتیبات اداره آن اطلاع حاصل نمود بعد از مدت ششماه پیشنهاد جدیدی بمجلس خواهند نمود طبق روزنامه در مطبوعه شاهنشاهی و اجرت بست آن مجانی خواهد بود .

مدیر که سمت مدیر هم داشته باشد ۱۰۰ تومان -  
دایره مراسلات ۲ نفر ۳۰ تومان مغرب یک نفر ۳۰ تومان -  
موزع ۲ نفر ۱۸ تومان مسجع ۲ نفر ۳۰ تومان -  
پیشخدمت و مطالبات وصول کن ۲ نفر ۲۰ تومان منشی یک نفر ۳۰ تومان کاغذ ۶۰ بنده از قرار هزاره مرتب طبع فی بندی ۲۶ قران ۱۰۶ قران دفتر دار ۲۰ تومان جمع کل ۴۳۴ تومان .

صورت لایحه وزیر - قیمت کاغذ یکماهه ۱۰۸ بندی ۲۷ قران ۲۹۱۶ قران دبیر ۵۰۷ قران مغرب ۲ نفر ۳۰۰ قران مسجع ۲ نفر ۳۰۰ قران مدیر کل ۱۰۰۰ قران منشی ۲ نفر ۳۰۰ قران دفتر دار ۲ نفر ۲۰۰ قران دایره مراسلات ۳ نفر ۳۰۰ قران موزع ۴ نفر ۲۸۰ قران پیشخدمت و امور مطالبات ۳ نفر ۳۱۰ قران جمع کل ۶۳۰۶ قران چون بر حسب تصویب مجلس مقدس شورای ملی شیدانه از کانه اداره روزنامه دولت علیه باید در تحت نظارت وزارت داخله تشکیل و دایره گردد معارج ما ماهانه آنرا مطابق صورت فوق بر آید و تصدیق میشود و عقیده وزارت داخله این است که محالاً مبلغ هشتصد و سی و پنج تومان و ششقران بموجب تفصیل فوق تأمات ششماه از وزارت داخله مایه بتوسط وزارت داخله با اداره مزبور پرداخته شود و عملاً ترتیب این روزنامه رسمی جریان پیدا کند تا پس از ششماه هم ترتیب دیگری که اقتضا کرد در این باب داده خواهد شد در عرض این مدت هم وزارت داخله پس از سه ماه بک نظر و تحقیق احتمالی در جریان این اداره خواهد کرد و پس از ششماه یک رسیدگی کلی از ترتیبات خرج و دخل آن بعمل خواهد آورد و آنوقت بهر طوری که مقتضی باشد اساس صحیحی برای تکمیل

جریان آن وضع خواهد نمود که این مقصود بغوی بیشتر نمایان فرقه را هم ذیلاً توضیح مینماید که طبق این روزنامه در مطبوعه دولتی مجانی خواهد شد و اجرت دستی آنهم مجانی خواهد بود و عملاً اداره روزنامه و لوازم تحریر و غیره را هم وزارت ترتیب خواهد داد .

**نایب رئیس** - سابقاً مجلس در ایجاد روزنامه رسمی رای داده حالا باید در این مبلغ بودجه مذاکره کرده رای بدهند .

**ارباب کیخسرو** - چون رئیس انتخاب شد باید تکلیف رئیس معلوم شود که اگر قبول می کنند بجای خودشان بنشینند و بکار خودشان شروع کنند .

**رئیس** - اطلاع میدهم .

**افتخار الواعظین** - بنده عرضم این است که مجلس شورای ملی برای تأسیس روزنامه رسمی رای داده است چنانچه فرمودید ولی چون تأسیس روزنامه رسمی از ادارات رسمی وزارت داخله خواهد بود بنده گمان میکنم که اگر آقایان هم موافق باشند این مذاکراتش باشد و وقتی که وزراء معرفی شدند وزارت داخله هم نظریات خودش را بگوید شاید وزارت داخله در این باب نظریات داشته باشد و حالا چون معرفی شده اند شاید نتوانند رای خودشان را اظهار بکنند .

صحیح است مجلس رای داده است که یک روزنامه رسمی در مملکت باید دایره باشد ولی سایر جزئیاتش بسته بنظر وزیر داخله است و بنده نظر باطلاعاتی که دارم این که امروز کابینه موفق نماند بجهت این بود که ریاست مجلس نشده بود روز سه شنبه محققاً معرفی خواهند شد پس تقاضا می کنم شورد در این لایحه را بکنند و زرا که معرفی شدند آنوقت مطرح شود .

**سلیمان میرزا** - کرچه آقای افتخار الواعظین نظریات خودشان را فرمودند لکن بنده عرض می کنم نظریاتی که در اینجا هست نظریات بودجه است وزیر داخله آتیهم اگر بخواهند یک نوصیه در این اداره بدهند می توانند بکار بیاورند یکی بخواهند هیچ مانعی ندارد که امروز در این مسئله رای بدهیم هیچ شبهه نیست که اگر چه مجلس شورای ملی تصویب کرده است لزوم روزنامه رسمی را لکن این قانون اجرا نخواهد شد دیگر اینکه مجلس یک رای بدهد در این بودجه که خواسته است و امروز نه بسته ایم ممکن است که اگر اصلاحی لازم بدانند مثل خیلی چیزها که اصلاح لازم دارد باز پیشنهاد خواهد کرد و موافق این مذاکره بازاری داده خواهد شد .

**حاج آقا** - امروز در این رایورثیکه از کمسیون بودجه آمد بنظر من خیلی از ترتیب رایورث بودجه در ریاست بجهت اینکه یک قانونی از مجلس گذشت در چهار ماه قبل و تمام حسابات آنهم معلوم شده بود و فوریت آنهم تقاضا شده بود و همه حس کرده بودند و تصویب شد که این اداره در تحت مراقبت خود وزارت داخله باید تأسیس شود و یکی

از ادارات او بابت و حال این کابینه اقدام در تأسیس آن نکردند در صورتیکه این یکی از اداراتی بود که بایست در تحت نظارت وزارت داخله تأسیس شود و معارج و بودجه این اداره هم مثل بودجه سایر اداراتش بیهوده مجلس شود حالا در خصوص این اداره بهد از ماه یک پیشتهادی شده است و در اینجا کمیسیون بودجه هم یک مبلقی تصویب کرده اند که بوزارت داخله اعتبار داده شود و دیگر تا شش ماه این را نفهمیدم خوب بود که خود وزارت داخله این را تأسیس می کرد آنوقت می دانست که چقدر معارج دارد آنوقت همانطوریکه بایست بودجه سایر ادارات را بدهد بودجه این را هم داده بود و در جزه آنها می گذاشت تا بیا اینک کمیسیون بودجه چطور شده است که از برای شاهنامه معین کرده است خوب بود ملاحظه می کرد ترتیب و معارج این اداره را و وقت میگرد و جری بودجه سال گذشته یا آینده که می آمد بمجلس این را فرار می داد ولی علت این که شش ماهه شده است این را نفهمیدم که بودجه شش ماهه چه معنی دارد خوب بود معین محترم کمیسیون بودجه این را توضیح می فرمودند که علت این چه بوده است .

**سلفیهات غیر را** - از این که خوب بود وزارت داخله این اداره را ترتیب و تأسیس می کرد و بودجه آنرا هم معین می نمود می کرد این اعتراض به کمیسیون بودجه بیست ولی صدها باید بدهد کمیسیون بودجه و مجلس اول اعتبار مالی بر او بدهد تا این که او بتواند تأسیس بکند پس از آن که نمی داند مجلس مالی او را تصویب کند یا نه بگذرد و چطور یک اداره را تصویب می کند اما این که فرمودند کمیسیون بودجه چرا این را نداشتند تصویب کرده است - ریت نامه تصویب نگرداند در لایحه وزارت داخله را حاج اقا ملاحظه می کردند رفع این اشکال از ایشان می شد که چیزی که مورد حل بان شده است بواسط و جریات آنرا می توان پس بینی کرد و اگر بواسطی داشته باشد البته وزیر داخله پیشنهاد می تواند بکند این که شاهنامه فرادادیم بجهت این که این مدت را کافی داریم برای این که وزارت داخله درست از کیفیت آن مستحضر شده می تواند ترتیب و معارج تحقیقی آنرا پیشنهاد کند اگر دیه این مبلغ کم است و بایست وسعت بدهد البته پیشنهاد مجلس میبندد و کمیسیون بودجه بهیچوجه از وظیفه خودش خارج نشده است و دلیلش با خود تراست که میفرمایند فوریت آن تقاضا شده است از یکطرف میفرمایند فوریت آن تقاضا شده از طرف دیگر میفرمایند که بودجه آن در ضمن بودجه سه آتیه بیاید در صورتیکه معلوم نیست که بودجه امسال و سال گذشته را باین رودی بمجلس بیاورند و بگذرد حالا بسته است بنظرا کثرت مجلس می خواهند تصویب کنند می خواهند رد کنند .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده عقیده ام این است که این مذاکراتی که می شود راجع باین نیست بجهت اینکه یک اعتباری وزارت داخله خواسته است و اصل روزنامه را هم تصویب کرده ایم که تا بشود این اعتبار معین این است که در این مدت میسبند

مخارج این روزنامه را اگر خرج و دخل وانی شده که بسیار خوب و اگر کسر آمد که آنوقت با از مجلس اعتبار می خواهند و اگر دخل و خرج او کافی شد بیهی است دیگر وزارت داخله این را نمی کرد فقط چیزیکه بتوانند در اینجا مذاکره کنند در باب حقوق اجزایست که در اینجا نوشته شده است اگر در این باب مذاکره مست فرمایند و الا برای بگریه که این مطلب بزودی بگذرد .

**نایب رئیس** - باورقه رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**معاضدالملک** - عده حضار ۷۵ ورقه سفید ۹۵ ورقه آبی یک امتناع ۹ - رد نشده سردار احمد .  
تصویب کنندگان : آقای سید محمد رضا - وحیدالملک - آقای میرزا ابراهیم نوری - دکتر جعفر - میرزا - اسان العکامه - حسنعلیخان - مستشارالدوله - آقامیرزا محمد صادق - میرزا رضی قلیخان - آقا شیخعلی شیرازی - ابوالقاسم میرزا - و کن الملک افتخار الواعظین - علی راده - سلیمان میرزا - حاجی عز الملک - اسدالله خان - ممتاز الدوله - آقا محمد بروجردی - معاضدالملک ضیاءالملک - محمد هاشم میرزا - حاج آقا - مشیرالدوله - حاج سید ابراهیم مدرس - مستشارالسلطان - حاج معین الرعیایا - معین السلطنه - معزالملک - آقا محمد حسن - بروجردی - مشیرحضور - دکتر علیخان - حاجی میرزا رضاخان - آقا سید محمد مدرس - صدراعلماء فهیم الملک - ارباب کیخسرو - دهخدا - آقا - شیخ رضا - حاج شیخعلی - آقا شیخ ابراهیم خان - حاج شیخ رئیس - شیخانی - حاج سید نصر الله - ذکاء الملک - آدینه محمد خان - حاج امام جمعه - معتمدالتجار - کاشف معاضدالسلطنه حاج محمد کریم خان - انتظام العکامه - دکتر حاج رضاخان - حاج مصدق الملک - دکتر میرزاخان - آقامیرزا احمد بهجت - میرزا داود خان - آقا سید جمیل - آقا سید حسین کزازی - آقا سید حسین اردبیلی حاج زکریا الرعیایا

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

بهیچوجه بطور ملاحظه داده نشود بجهت اینکه از طرف وزارت علوم آن لایحه بکمیسیون معارف فرستاده شده بود بعضی مراسلات هم بکمیسیون معارف رجوع شده بود بعضی اظهار کرده بودند از مدیران جراید و غیره که بطور ملاحظه قبول کنند تقریباً همین طوری که کمیسیون تصویب کرده است و همانطور که اینجا اظهار شد این است که بایست خود دولت بدون اینکه یکس ملاحظه بدهد این را اداره کند یعنی خودش روزنامه رسمی را دایر نماید یک مذاکره هم شد در خصوص اینکه ششماه چرا خواسته شده است برای این که دخل و خرجش معین شود که اگر کسر و کمی دارد بعد تعیین کنند در صورتی که اینطور نیست باید این را در نظر داشت نه روزنامه رسمی مثل سایر ادارات دولتی است و در آن بهیچوجه ملاحظه دخلی را نمیتوان کرد این یک خرج اداریست و بایست آن خرج را درست بکنند و این روزنامه رسمی حتماً باید وضع و اداره شود هم از ایسده عاید داشته باشد برای دولت بماند بماند و همانند دان محترم ما هیچ باید این را در نظر نماند باشند و این را بایست در نظر داشته باشند که این خرجی است که تصویب کرده اند چه عایدی داشته باشد چه نداشته باشد این خرجت خواهد شد .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

**نایب رئیس** - در وقت رای گرفته می شود ۴۳ تومان تا ششماه اعتبار بوزارت داخله داده شود برای اداره کردن روزنامه رسمی هر کس تصویب میکند در وقت سفید خواهد انداخت هر کس رد میکند ورقه آبی خواهد انداخت (رای گرفته شد و نتیجه اختاراه را آقای معاضدالملک موافق صورت ذیل اعلام نمود) .

کمیسیون عرایض دو فقره استندای مرخصی از آقای نجات ۲۵ روزه برای اصلاح مزاج و از آقای میرزا یاس یک ماهه برای کار شخصی بجزم فرنک قرائت ضمناً آقای میرزا یاس مدد معاش یک ماهه ایام غیبت را بقید در هر روزه خود صرف نظر نموده اند بعد از مذاکره بواسطه کار زیاد و کمی عده و کلا کمیسیون مرخصی هیچیک را تصویب ننمود بسته برای مجلس است [ادبالتجار]

**نایب رئیس** - در این باب چون بایست در مرخصی این دو نفر رای گرفته شود اگر حصری است به فرمایید .

**آقا میرزا محمد نجات** - بنده استرداد می کنم اجازه مرخصی خود را .

**نایب رئیس** - آقای نجات استرداد کردند مرخصی خودشان را فقط منحصراًست به آقای میرزا یاسی که تقاضای مرخصی یک ماهه نموده است و حقوق یک ماهه اش را هم تقدیم کرده است کسانی که بازبورت کمیسیون که عدم مرخصی ایشان را تصویب نموده موافقت قیام نمایند (اقبال قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد عدم مرخصی ایشان)

**نایب رئیس** - بازبورت کمیسیون هدایه راجع به ثبت استاد شروع می شود و ماده ۲۹ وزیر را کمیسیون حذف کرده است یک مرتبه خوانده می شود و بعدش رای گرفته می شود (ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد) .

**ماده ۲۹** - مباشرین ثبت باید دفاتر رهبر خودشان را در جای محکم و محفوظ نمایند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این مطلب قانونی نبوده از این جهت حذف شد .

**حاج سید ابراهیم** - چون خیلی از مطالبی که جزء قانون نیست ولی از برای استحکام کار در آن قانون ذکر می کنند این ماده هم لازم بود ذکر شود ولی عبارتش قانونی نبود خوب است بسبب آن دیگر که ملا عوض (در جای محظوظی یکداند) مینوشند که (مهرردار اداره باید باشد) و پیش خودشان در خانه باشد همچو عبارتی لازم است .

**نایب رئیس** - رای میگیریم بحدف این ماده که قرائت شد کسانی که موافقت قیام نمایند [با اکثریت حذف شد] .

**ماده ۲۵** - الحاقیه کمیسیون قرائت شد صفحات دفاتر ثبت و تصدیق باید طولش هفت گره و عرضش پنج گره باشد و در هر صفحه ستونی خواهد بود برای اینکه صورتهائی که از ثبت یا موادی که از سند داده میشود قید شود عدد ستور را در دفاتر ثبت و تصدیق یا سایر تفصیل وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه معین و بجایهای لازمه اعلام مینمایند .

**نایب رئیس** - ملاحظاتی نیست پس رای میگیریم کسانی که ماده ۲۵ را بطوریکه قرائت شد تصویب میفرمایند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد] .

**ماده ۲۶** - الحاقیه کمیسیون بمضمون ذیل قرائت کردید .

**ماده ۲۹** - دفاتر فهرست باید تماماً یک اندازه بوده و حاوی پنج ستون منصله باشد .  
ستون اول برای نامه کار گذار باشد  
ششمی تجدید میشود .  
۲ - برای تاریخ روز ماه سال .  
۳ - برای اسم و شهرت و شغل و محل اقامت اشخاصی که سند آنها ثبت میشود و با آنها تصدیق داده میشود .  
۴ - برای مضمون ثبت یا تصدیقی که میشود و حقوقی که دریافت میشود .  
۵ - برای قبض رسید اشخاصی که سندشان ثبت شده است یا تصدیقی گرفته اند یا ثبت صدی و یا سواد صدی که با آنها داده شده یا قید اسم و شهرت و شغل قبض دهند .

**حاج شیخعلی خراسانی** - آن ماده که رای گرفته شد با دو ماده دیگر که زیاد شده است بنده عقیده ام این است که شور اول است اگر اکل است که محتاج برای نیست اگر تانی است که مخیر توضیح بدهد .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - در این باب مخیر و غیر مخیر فرق ندارد شور اول است و چون چندان جای نظر نیست بنده تقاضا میکنم فوراً رای گرفته شود .

**نایب رئیس** - رای میگیریم کسانی که با رایورت کمیسیون موافقت قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد] .

**ماده ۲۷** - الحاقیه کمیسیون - قرائت شده [ماده ۲۷ - سایر دفاتر موافق اندازه و اسلوبی ترتیب میشود که وزارت عدلیه معین و نمونه آن را بجای لازم میفرستند دفاتر عادات و اوقاف قوانین محاسبات عمومی با استحضار وزارت مالیه باید مرتب شود .

**نایب رئیس** - ملاحظاتی اگر هست بفرمایید پس حالا رای میگیریم کسانی که موافقت باین ماده ۲۷ قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد] .

**ماده ۳۰** - وزیر - پس از انقضای یک سال از تمام دفاتر ثبت مباشرین ثبت مکلفند که آن دفاتر را با منضمات آن بدقت را که ثبت استاد تسلیم و در آخر هر دفتری عدد اسنادی که در آن ثبت شده معین و امضاء نمایند .

**ماده ۲۸** - کمیسیون - پس از انقضای یکسال از تمام دفاتر ثبت و فهرست مباشرت مکلف است در آخر هر دفتری عده اسنادی را که در آن ثبت یا تصدیق شده و همچنین عده اقداماتی را که فهرست شده معین و امضاء نموده دفاتر ثبت و هر دو نسخه دفتر فهرست را بدقت را که ثبت استاد تسلیم نمایند .

**فهیململک** - این عبارتش گویا مطلب را نمی فهماند پس از یکسال بعد از انقضای یعنی چه یعنی بعد از یکسال بعد از قبول مباشرت ولی این عبارت این را نمی رساند و حال آنکه در آخر هر سال این

**فهیململک** - این عبارتش گویا مطلب را نمی فهماند پس از یکسال بعد از انقضای یعنی چه یعنی بعد از یکسال بعد از قبول مباشرت ولی این عبارت این را نمی رساند و حال آنکه در آخر هر سال این

کار را باید بکنند مطلب و اینده درست نمی فهمد توضیح فرمایند .  
**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بعد از تمام شدن دفتر ثبت یکسال می ماند در آن محل بعد بر مرکز فرستاده می شود این اشکالی ندارد .

**نایب رئیس** - رای می گیریم ماده ۲۸ کسانی که موافقت قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد] .

**ماده ۳۱** - وزیر - مدیر ثبت بصحت قیدی که در آخر دفاتر شده و با مضای میا برین ثبت رسیده رسیدگی نموده پس از امضای صحت آن بدقت را که می دهد .

**ماده ۲۹** - کمیسیون - مدیر ثبت بصحت قیدی که در آخر دفاتر تسلیم شده بعل آمده و با مضای مباشر ثبت رسیده رسیدگی نموده پس از تصدیق صحت و امضاء دفاتر مزبوره یک نسخه دفتر فهرست را بدقت را که تسلیم دفتر ثبت را با نسخه دیگر دفتر فهرست بدقت را که کل ارسال می دارد .

**آقا شیخ ابراهیم** - در آن لایحه وزیر دفترهای فهرست نبود کمیسیون علاوه بر آن دفتر ثبت دفتر فهرست و اضافه نموده بعد از آنکه مباشر دفتر ثبت را تمام کرد و دفتر رهبر تمام کرد و بدقت را که معین هم داد در آنجا گویا قانون سایر دول هم هست همچنانکه در لایحه وزیر است دفتر ثبت در همان محلی که هست او را نگاه می دارد اداره ثبت هر ولایتی آن ثبت را نگاه می دارد برای اینکه هر وقت محتاج بشوند بآن رجوع بکنند و این در کمیسیون مذاکره شد ولی بنده موافقت ندارم مذاکره شد که دفتر ثبت و اباب یک دفتر فهرست بفرستند از مرکز و یک دفتر فهرست فقط در محل باشد بنده عکس این را صلاح میدانم که یک دفتر فهرست را بفرستند بر مرکز دفتر ثبت بایست که دفتر فهرست در محل بماند برای اینکه رجوعات و اختلافاتیکه واقع می شود در محل باشد که رجوع کنند دیگر محتاج باین نباشد که رجوع کنند بر مرکز ولیکن کمیسیون از بابت احتیاط صلاح ندانست که دفتر ثبت در محلهای باقی بماند بجهت اینکه مبدا خلسی وارد شود و هر کس که طرف حسابیت شد از مرکز صورت بخواهد حالا اینجا آقایان نظرشان را بگویند .

**حاج آقا** - بنده تقاضا میکنم که رای گرفته شود بجهت اینکه این نظری که آقای مخیر فرمودند بآن نظراتی که ما داشتیم در استحکام این مطالب خیلی مناقات دارد این ترتیب منافی استحکام است و شاید شد استحکام اقتضا بکنند که تمام این دفاتر را در مرکز داشته باشیم برای آن بلاد همان فهرست کانیست و خواهش میکنم رای گرفته شود .

**افخار الواعظین** - بنده برخلاف عقیده حاج آقا عرض میکنم که عقیده ایشان بجای اسباب زحمت خواهد شد یعنی اگر نباشد دفتر ثبت را بایست نسخه از دفتر فهرست فرستادند بر مرکز کل و در وزارت عدلیه ضبط شد و فقط یک فهرستی در محل باقی باشد هر وقت

**حاج آقا** - بنده تقاضا میکنم که رای گرفته شود بجهت اینکه این نظری که آقای مخیر فرمودند بآن نظراتی که ما داشتیم در استحکام این مطالب خیلی مناقات دارد این ترتیب منافی استحکام است و شاید شد استحکام اقتضا بکنند که تمام این دفاتر را در مرکز داشته باشیم برای آن بلاد همان فهرست کانیست و خواهش میکنم رای گرفته شود .

**افخار الواعظین** - بنده برخلاف عقیده حاج آقا عرض میکنم که عقیده ایشان بجای اسباب زحمت خواهد شد یعنی اگر نباشد دفتر ثبت را بایست نسخه از دفتر فهرست فرستادند بر مرکز کل و در وزارت عدلیه ضبط شد و فقط یک فهرستی در محل باقی باشد هر وقت

**افخار الواعظین** - بنده برخلاف عقیده حاج آقا عرض میکنم که عقیده ایشان بجای اسباب زحمت خواهد شد یعنی اگر نباشد دفتر ثبت را بایست نسخه از دفتر فهرست فرستادند بر مرکز کل و در وزارت عدلیه ضبط شد و فقط یک فهرستی در محل باقی باشد هر وقت

برای تحقیق یکسندی خواسته باشد رجوع کنند اداره مباشرت ثبت اسناد که آیا این سند ثبت شده است یا خیر و مضمونش و ترتیبش چه شکلی بوده است تغییر و تبدیلی درستند داد شده است یا نشده است هر وقت چنین حاجات پیش بیاید در عمل رجوع کردند بدین فهرست و مقصود حاصل نشد و رفع حاجت نشد رجوع کنند اداره مرکزی یعنی دفتر را که سرکزی تهران و از اینجا صورت بخواهند این از برای موقع رفع احتیاج خیلی اسباب زحمت خواهد بود بنده عقیده ام این است که يك نسخه را در خود آن محل بگذارند خیلی بهتر خواهد بود.

**مشرالدوله** - در این باب در کمیسیون

خیلی ملاحظه شد اول بنا بود که دفتر ثبت دولتی باشد و دفتر فهرست هم دو نسخه باشد ولی ملاحظه کردیم که در بانی امر این اسباب این میشود که اجزاء زیاد باید نگه داشت و مواجب زیاد باید داد و این از قهر این ممالک خارج است و بعد که از این مسئله گذشتیم امر دایر میشود مابین دو صورت پانزدهم دفتر ثبت که يك نسخه میشود با دوازدهم دفتر فهرست و امر دایر میشود که بنسخه دفتر ثبت را در آنجا بگذارند و دفتر فهرست را بفرستند یا یکس نسخه در آنجا بگذارند و شده است دیدیم برای استحکام کارمان مقصودی که ماداشیم برای داشتن دو نسخه بهتر این است که دفتر ثبت را در مرکز داشته باشیم و اینکه در کمیسیون گفته شد دفتر ثبت را در مرکز بفرستند این نظر بود اسنادی که ثبت میشود و یکسال هم در اداره مباشرت ثبت مانند دیگر محل احتیاج نشد آنوقت مرکز بفرستند در مرکز از هر نوع تغییر و تبدیلی مصون میماند و این از برای محفوظ بودن ثبت بهتر خواهد بود این جهت گفته شد که بایست مرکز حالا که این مسئله مذاکره میشود بهتر است که دفتر ثبت بیاید مرکز البته خودش بهتر است برای استحکام دفتر ثبت بیاید مرکز جهت آنکه تمام مطالب اسناد در دفتر ثبت متناوب و حاشا و تجلا تمام در آن ثبت و ضبط است و البته معلوم است که در دفتر را کدکل سند محفوظ بماند بهتر از این است که يك خلاصه محفوظ بماند این يك نظر اساسی بود دیگر اینکه تمام نظرات ما در این بود که استحکام سندات مردم باشد از این نظر اساسی گذشتیم حالا آمدیم به امری که میگویید طرف ارجاعات واقع میشود و آنوقت مردم چکار میکنند آنهم در کمیسیون پیش بینی شده است و کفایت از اینکه هر وقت رجوع بدین تراکد محلی بکنند آن دفتر فهرست میگویید که این مسئله در چه تاریخ و در چه محل ثبت شده است و طرف معاینه کجا بوده اند و اسبابا اگر مستغنی نکرد و خواستند ثبت سند را داشته باشند سهل است که یک صورتی از مرکز بفرستند و در یک هفته یا دو هفته او میرسد اسناد است اگر ما میتوانستیم دو دفتر ثبت و دو دفتر فهرست میداشتیم این بهتر بود که ارباب رجوع معطل نشوند ولی چه باید کرد و احواله امروز باید ملاحظه اوضاع اقتصادی این مملکت را بکنیم و اجزای زیادی بگیریم و مواجب زیادی بدهیم و موافق استطاعت امروزی اجزاء نگاه میداریم البته مجبوریم اداراتمان را بطور نگاه بداریم اگر این دایره انتشار یافت و توسعه پیدا کرد توانستیم دو دفتر ثبت درست کنیم البته آنوقت درست خواهیم کرد و بهتر هم هست.

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - این دفتر رسمی

ثبت شده و با مشاهده رسید، در پایتخت بیاید و برای تطبیق یکسورت بگیرند و بفرستند مطالعه بکنند این است که گاهی کمتر است از اینکه دفتر ثبت اینجا بماند که گاهی رجوع کنند در وقت حاجت ثبت برای این است که در هر محلی در مشاجرات و منازعات با آنجا رجوع بکنند و اینکار برگشت خواهد کرد باینکه همجا رجوع کنند بطهران در هر گمان رجوع بکنند بطهران چرا بجهت اینکه سندی که درست است مشخص است با دفتر ثبت که تابع که مشتری کیست مطابق است با دفتر همانست که در مرکز است ولی مطابق کردن آن صورت با واقع امر از اینجا تا آنجا خیلی مشکل است و این را فهرست معین نمی کند تمام تطبیقات در دفتر ثبت نوشته شده است و آن عقیده بنده اشکالش زیاده تر است حالا دیگر بستم بنظر آقایان **کاشف** - عرض بنده تقریباً يك اخطار قانونی است ولی خیلی مختصر يك دو مرتبه است که آقایان مخبرین در ضمن مذاکره از راپورت کمیسیون رضد آن راپورت اظهاراتی میکنند و آن يك دو مرتبه است بنده می بینم و اگر خواسته باشد خودش برسد آن مذاکره کند یا بستی که اجازه خواهد بود بنده مذاکره کنند عقیده بنده این خوب است از طرف کمیسیون هارعبت شود و کسی که با اکثریت کمیسیون باشد بجهت مخبری و لوم وقتاً هم باشد باید انتخاب بکنند چون کمیسیون مخالف باشد درست نمیتواند مداخله بکند و مخبر بدون نوبه نمیتواند اجازه بخواهد برای دفاع نه اینکه برای اظهار عقیده خودش این را بنده استدعا میکنم که کمیسیونها این نکته را ملاحظه کنند **آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - اولاً بنده دلایلی را که کمیسیون در نظر داشت عرض کردم و ثانیاً کسیکه يك نظری دارد چطور میتواند بگوید علاوه بر آن يك قانونی از سر تا پا هزار ماده است در دوماده آن مخبر را عزل بکنند و يك مخبر دیگر می آوردند که در تمام این مواد مطابق و موافق باشد این حال است.

**آرباب کیخسرو** - اولاً اعتراض دارم با

آقای انتخار الواعظین در صورتیکه مالک سواد را داریم ایشان لفظ کیه را استعمال میکنند و دیگر این که میفرمایند سواد بردارند این با هر سر کبی نمیشود سواد سبب علیحده دارد و آن مرکب هم اگر کهنه بشود نمیشود از روی اوسواد برداشت اگر بنا باشد يك نسخه از آن دفتر نگاه بدارند و یکی را بفرستند بر مرکز این سواد لازم دارد و همان دو نسخه نوشتن است.

**حاج آقا** - این مطلب چندان مذاکره ندارد شرحی که آقای مشیرالدوله بیان کردند گمان میکنم که کافی باشد این چیزی که آقای انتخار الواعظین فرمودند در صورتی است که بگورق باشد يك لایحه را میشود زیر پرچم ببرد و از روی آن کپی بردارند و بعد از آن شرحی که آقای مشیرالدوله فرمودند محتاج به مذاکره دیگر نیست خوبست رای گرفته شود **آقای الواعظین** - بنده برای این که مذاکره زیاد نشود پیشنهاد خود را استرداد میکنم (مجدداً قرائت شد).

**نایب رئیس** - رای می گیریم کسی که ماده ۲۹ را تصویب میکنند قیام نمایند (تصویب شد).

**نایب رئیس** - بانی شور این لایحه میماند برای جلسه آتی - خاطر محترم آقایان مسبوق است بر اینکه در روز یکی از اعضاء محترم مجلس شورای ملی بواسطه فوت از این مجلس مفقود شده است و بواسطه این فقید جدید خیلی اسباب تأسف شده است فردا هم مجلس ترجیح در مسجد سه سالار منعقد است خواهش میکنم که قبل از ظهور آقایان در این مجلس مرحوم وکیل التجار حاضر شوند و اظهار تسلیت بپایمانندگان آن مرحوم نمایند.

جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت بقریب دستور بقیه تجدید تریاک - راپورت کمیسیون بودجه راجع باعانه مدرسه نقاشی - راپورت کمیسیون معارف راجع باهزام معصلین بخارجه - اگر وقت باشد بقیه قانون ثبت اسناد.

**ادیب التجار** - در چند جلسه است که اظهار و تقاضا شده است که راپورت کمیسیون داخله را در باب منع احتکار بعد از این مدت در جزء دستور بگذارند و این افعال شده است با اینکه مخالفی نبوده بنده استدعا میکنم جزء دستور آتی گذاشته شود و قبل از شروع ثبت اسناد گذاشته شود دیگر در باب بقیه اعضاء کمیسیونها مخصوصاً کمیسیون تقیضی که خیلی اهمیت دارد و آقای نایب رئیس مسیوقند که قریب در ماه پیش از این در باب ماله مملکت سئوال کرده بودم از مرحوم صنیع الدوله چون شنیده بودم که پول گرفته بودند آنکه مرحوم شد بعد از آنهم امروز و فردا شد که وزیر تعیین شود تا بحال حاضر نشده اند برای جواب سئوال بنده امروز شنیده ام پول گرفته اند نمی دانم این چیست موقع سئوال بنده وقتی است که وزیر معرفی شوند و نقل میشود بدین کیه و از آنقدر کیه یکی را نگاه میدارند برای احتیاجات محلی و یکی را بر مرکز می فرستند که اگر وقتی احتیاجی بهم رسد بآن دفتر کیه ولایتی رجوع میکنند و در مرکز هم اگر طرف احتیاج شود آن دفتر کیه ولایتی را میخواهند با دفتر ثبت مرکزی مطابق میکنند.

وقتی ملتفت می شویم که دو کور گرفته اند و هیچ معلوم نیست که کجا صرف شده است.

**حاج عز الممالک** - بنده می خواستم عرض کنم اعتبارنامه معدل الدوله نماینده سیستان در مجلس مدتی است خوانده شده جزء دستور شود که در مجلس تصویب شود.

(مجلس سراسر از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۲۲۲**  
**صورت مشروح روز شنبه ۹ شهر ربيع الاولی ۱۳۲۹**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

**رئیس** - در این موقع که آقایان نمایندگان معترم اظهار حسن ظنی نسبت بنده فرمودند بنده را باین مقام انتخاب کرده اند باید اظهار تشکر بکنم عرض میکنم هر چند که بنده خودم را لایق این اظهار حسن ظن نمیدانم ولی چون این اظهار بنده شده است بنده هم باید جدوجهد بکنم سعی بکنم که لیات این حسن ظن را بهم رسانم که گفته شود این اظهار بی موقع بوده و در این جا هم لازم میدانم که عرض بکنم که این از بدیهیات است که مقام ریاست يك مقام بی طرفی است و بنده ملتفت این وظیفه خود هستم و اگر هم مقام ریاست وظیفه اش بی طرفی نبود بآن ترتیبی که بنده را باین مقام انتخاب کردند و خیلی متشکر هستم همان ترتیب بنده می فساند که باید همیشه بی طرف باشم و بدیهی است که لفظ بی طرف بآنکه فقط بگویم بی طرف هستم کافی نیست باید تا وقتی که من روی این سندلی ریاست نشستم افعال خودم را بطوری بکنم که همه آقایان بدانند که بنده فریاد بی طرفی مقصد دیگری ندارم ولی این را هم بنده عرض می کنم که بی طرفی که راجع به تمام ریاست است خود رئیس هم البته طوری باید رفتار بکند که آن بی طرفی را داشته باشد ولی از طرف آقایان نمایندگان هم باید نسبت باو همراهی شود یعنی باین ملاحظه که بنده را به چه وجه داخل هیچگونه امور نیابستی بخواهند و از بنده به چه وجه متوقع نباشند که در هیچ امری چه استیشاری چه ترتیب دیگر مداخله بکنم و از حال این عرض را میکنم برای آنکه اگر در يك موقع يك اظهاری شود بنده رد کردم اسباب رنجش خاطر آقایان نباشد يك مسئله دیگر هم باید عرض بکنم در آن مسئله اختیارات و اختیارات رئیس است اختیارات بنده همان است که در نظامنامه داخلی قید شده است غیر از آن اختیاراتی ندارم کار رئیس اجرای مطالبی است که در نظامنامه نوشته است این بدیهی است که بنده اگر بخواهم این مطالب را اجراء بکنم از خودم يك نوبه ندارم فوره بنده در دست خود شماست در يك موقعی اگر يك اظهاری اختیاری از طرف بنده که در حقیقت از طرف خود شما است یا اگر اظهاری بود که مطابق نظامنامه است باید آقایان بامن همراهی بکنند که مدلول نظامنامه اجرا شود این را من باید عرض بکنم و البته همه می دانند که مجلس امروز مرکز عموم مملکتی

است تمام مردم توجهشان باینست است اگر خدای نخواست مجلس ما که مرشقی تمام امور این مملکت است مرتب نباشد سایر ادارات و سایر امور هم گمان می کنند که بوضع مجلس نگاه بکنند آنها هم تا بيك درجه امورشان مغفل می شود پس ما باید جد و جهد بکنیم که این مجلس را مرتب بکنیم یعنی موافق موادیکه در این نظامنامه نوشته شده است مراعات بکنیم و تا بحال که الحمدلله مراعات شده است مقصود بنده این است که همانطوریکه سابق توجه فرموده اند و تمام مواد نظامنامه را مجری داشته اند همانطور هم تا وقتی که بنده در این سندلی نشستم با بنده همراهی بکنند و انشاء الله امور مملکت منظم شود و در خاتمه بگویم يك مطلبی را می خواستم اظهار بکنم که آقایان نواب رئیس چون در این جا که هیئت رئیسه می نشینند کاری نداشته و ملاحظه اینکه اگر بعضی اوقات بخواهند نطق بکنند مجبور شوند بیایند یا این خودشان از بنده تقاضا کردند که میان آقایان بنشینند و اگر بنده يك وقتی نتوانستم در این مقام بنشینم هر يك از آنها که مقتضی باشد بجای من بمقام ریاست بنشینند فقط محض اطلاع عرض شد صورت جلسه روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند.

**قائدين جلسه قبل**  
آقای مؤتمن الملک - میرزا یانس - مریض آقا سید محمد باقر ادیب.

**رئیس** - ملاحظاتی در باب صورت مجلس نیست (چون اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود).

**رئیس** - شروع میکنم باینکه قانونی تجدید تریاک در این باب مسبوق میکنم خاطر محترم آقایان را که تقاضای فوریت شده و يك شور بیشتر نداریم ولی يك ماه و نیم است تقریباً که این مسئله مطرح است و چیزی که تقاضای فوریت شده است البته يك خبر مجلسی است و يك ماه و نیم تأخیرش صحیح نیست و از آقایان خواهش دارم که طوری بکنند که پیش از این لایحه تأخیر نیفتد.

شروع بشود در لایحه قانونی تجدید تریاک ماده دوم - محض جلوگیری از مضار استعمال شیره سوخته تریاک اولاً در تمام نقاط مملکت کلبه سوخته تریاک به ما مورین وزارت ماله تسلیم میشود که ضبط نمایند و فقط بعنوان حق الزحمه برای مرتقالی سه شاهی بکسانی که سوخته را به ما مورین مزبور تسلیم می نمایند داده می شود و هر گاه کسی از تسلیم سوخته امتناع نماید و یا معضی بدارد سوخته او ضبط و با حضور همان شخص مکشف می شود ثانیاً ما مورین مزبور در هر نقطه عده واسامی اشخاصی را که شیره استعمال می کنند باین مقدار شیره که در هر محل مصرف میشود معین نموده و از سوخته ضبط شده بقدر ضرورت نقاط مزبوره شیره تهیه کرده و از مرتقالی سه عباسی بآن اشخاص می فروشند و در آخر سال آنچه باقی بماند با اطلاع وزارت ماله تلف خواهند نمود.

**رئیس** - در این ماده مخالفتی نمی بینم پس باورده رای خواهیم گرفت.

**محمد هاشم میرزا** - دوسه مرتبه که این لایحه در مجلس خوانده شد در این لایحه دو چیز بود یکیش چطور شد سوخته تریاک تنها نبود سوخته شیره تریاک هم بوده است چطور شده حذف شده یا فراموش شده است.

**فهم الملک** - از ابتداء تا حال سوخته بود شیره نبود.

**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم که از خاطر آقای مخبر محترم رفته است آنوقت که در این باب مذاکره شد و رجوع به کمیسیون شد و تمام سوختهها جزء این موضوع بود و همان مضاری که در سوخته تریاک منظور است بر سوخته شیره که از سوخته تریاک گرفته می شود همان مضار منظور است یعنی مضار بدنی و عقلی و هم منافع رفع مضار از اشخاص مبتلای بآن هر دو منظور است و سابقاً هم پیشنهاد شده است آنهم باید زیاد شود عقیده بنده اگر هم حذف کردند باید زیاد کنند و اگر دلیلی دارد آقای مخبر بفرماید.

**فهم الملک** - اولاً رض می کنم وقتی که سوخته گفتند شامل آنهم می شود و ثانیاً این قانون اساساً برای منع و جلوگیری وضع شده است وقتی که شیره استعمال نشده و يك سوخته شیره پیدا نمی شود این سوخته هم شامل او میشود.

**آقا سید حسن مدرس** - آن چیزی را که مستند بنده کردند دو نکته اش مخالف است یکی در باب مدت است و یکی از باب آن اشخاص که این شیره را خریدند و تجارت کرده اند متضرر خواهند شد باید برای آن ها هم تکلیفی معین شود.

**دکتر علی خان** - بنده فقط مخالفتی که دارم باین خبر و ماده است که می گوید ما مورین دولت اسامی اشخاصی که مبتلا هستند ثبت می کنند برای آن ها شیره تهیه میکنند که بآنها داد شود علاوه بر این که این خیلی اشکال خواهد داشت برای ما مورین وزارت ماله و وزارت داخله چنانکه بنده در کمیسیون عرض کردم این ماده بکلی بی فایده است و علاوه بر این که عرض شد این ترتیب از برای این است که جلوگیری از استعمال شیره شود و بنده در حضور علماء و از روی صحت ثابت کردم و ثابت شد که می تواند عوض شیره تریاک استعمال کنند در صورتی که نظر کمیسیون که نمایندگان این باشد که آن اشخاص نمیرند و اگر نظر نمایندگان حتماً این باشد که آن کیفی را که در شیره میبردند از تریاک ببرند این تریاک بدو آنها خواهد خورد که يك قدری بیشتر باید تریاک بکشند تا این که آن کیف را که میبردند ببرند و هم باعث حفظ صحت آنهاست که نباید ببرند در این صورت بنده هیچ لازم نمیدانم که دولت شیره تهیه بکند برای اینکه آنها آن کتب را ببرند يك مقدار تریاک معین بکنند که در ازای شیره بآنها بدهند فقط برای آنکه نمیرند این نظر برای ما کافی است و همانطور که عرض کردم با کمال خوبی می توانند تریاک را استعمال کنند یا خود را کمی بکشند و به همان اندازه

هم جلو گیری از خودشان شود تا اینکه نیرندسالا بسته است بنظر نمایندگان

**فهییم الملك**

اسامی عده اشخاص و تعیین مقدار مصرف شیرمشکل است مشکل نخواهد بود که آنان معین کرده که در هر نقطه چه در شیرستان استعمال می کنند آنان برای کلیه خراسان معین شده که ماهی ده جرار شیرستان استعمال می شود و معین شده است که درجه نقاطی است و بطور باید تهیه شود پس برای آنها هیچ عیبی ندارد و اسباب زحمت و اشکال نخواهد شد این کار اداری است اما در قسمت ثانی فرمایشاتشان که فرمودند ثابت است این برای خود جناب عالی ثابت شده است ولی سایرین از فرمایشات شما قانع نشدند بجهت اینکه نقطه نظر اینکه اساساً در استعمال شیرستان بود بواسطه بی بضاعتی مردم است بعضی اشخاص که عادت دارند با استعمال تریاک و تاثیر آنها کفایت نمیدهد که تریاک بکشند چون شیرستان از آن تراست شیر می کشند بعد از اینکه عادی شدند بشیرستان آنوقت تبدیل آن بشیرستان خیلی مشکل خواهد بود و خیلی صدمه دارد برای آنها زیرا که بجای نوبت مقال شیرستان که میکشند لابد خواهند شد که لااقل دو مقال سه مقال تریاک استعمال کنند پس از آنکه اطباء که با حضور جناب عالی در کمیسیون مذاکره کردند که تریاک آن اثر را نخواهد کرد با وجود اینکه قیمت يك مقال تریاک البته از يك مقال شیرستان بیشتر است و در صورتی که عادی شده اند واضح است که این بیشتر ضرر باو خواهد رسید و این بیشتر اسباب فوت آنها خواهد شد و دارائی آنها اجازه نمیدهد که يك مبلغ کلی لااقل پنج برابر آن باشد تریاک بخردند و این برای آنها ممکن نیست این بود که لازم شد متدرجاً با نظارت دولت این مسئله از سر آنها بیفتد و بتدریج از بین برود و اما يك فرمایشی که آن فرمودند یکی راجع به مدت بود ولی این چون شروع شده است از این جهت نمیشود مدت قرارداد و چون شروع شده است و آن دولت شیرستان ضبط میکند و بتدریج بآن اشخاص می دهند این کار هست پس این یک چیز ناهای نیست که دولت حالا بخواهد شروع بآن بکند این مسئله حالا آن نظر قانونی را ملتفت نشدم راجع بکدام نقطه فرمودند ولی این را که از يك نقطه بنقاط دیگر حمل میکنند لکن ما آنرا بطور کلی گفتیم که مقدار سوخته را ضبط کنند و مقدار مصرف آنرا معین کنند و از سوخته ضبط شده بقدر آن مصرف شیرستان تهیه کنند این امر از اینست که سوخته ساخته شده باشد یا نباشد عبارت شامل او میشود

**کاشف** - عرض بنده همانست که عرض شده و کتباً پیشنهاد کرده ام

**رئیس** - این پیشنهاد باین ترتیب صحیح نیست اگر نطقی می خواهید بکنید که موافق این ترتیب معمول اجازه می گیرید و نطق می کنید اگر پیشنهادی هم دارید که بفرستید اگر قابل توجه شد رجوع بشود بکمیسیون

**کاشف** - عرض میکنم که پیشنهادی کردم و رفت بکمیسیون

**فهییم الملك** - پیشنهادشان در هر صورت گویا راجع است بمانه اول که رای داده شده است

**محمد هاشم میرزا**

بنده آقای معبر محترم جوابی که دادند هیچ مرا قانع نکرد بجهت اینکه فرمودند این جا نوشته اند فقط سوخته تریاک و حال آنکه آن پیشنهادی که قابل توجه شد و راجع شد بکمیسیون دارای دو جزء بود یکی خود ماده بود که سوخته تریاک بود دیگر سوخته شیرستان بود و اینکه اینجا نوشته اند فقط سوخته تریاک است و مقصود شیرستان سوخته تریاک و شیرستان سوخته هر دو است اگر مقصود بنده را رد میکنند که دلیلی بیاورند که بنده را رد بکنند باورنی بنویسند که کافی باشد و می فرمایند که عبادت وانی است و میرساند و شامل سوخته شیرستان است و حال آنکه عبارت سریع از سوخته تریاک است و هیچ شامل آن نمیشود

**حاجی امام جمعه**

اولاً این جا گفته شد که در کمیسیون بنده هم بودم بلی بنده يك روزی رفتم در کمیسیون برای مذاکره این مسئله آقای مؤمن الملك رئیس هم شرکت داشتند بعد بنا شد که يك روز دکترها در این خصوص مذاکره بکنند و بعد يك روز دیگری ما برویم آنجا و در جهات دیگر مذاکره بکنیم آن روز دیگر بگه کمیسیون متعقد شده است بنده اطلاع ندادم این است که در این تشکیلات کمیسیون حاضر نبودم امام رضی که در این مسئله دارم مکرراً عرض کرده ام اینست که مقصود دولت باید همان يك چیز باشد و آن ائتلاف این سه مهلك است یعنی يك طوری بکنند که رفته رفته این عبارت مشوم کلیه از این مملکت برداشته شود و آنها با این ترتیبی که آنجا نوشته است ابتدا انجام پذیر نیست مکرراً عرض کرده ام بر چیزی که دولت برای آن يك مالیاتی قرار داد آن را آزاد میکند و درست مردم بی ترس و لرز داخل آن می شوند استعمال میکنند آن چه بنظر قاصر بنده در این باب میرسد اگر آقایان همراه باشند اگر مقصود این است که شیرستان کسی از این مملکت بر داشته شود تا یکسال تجارت این را آزاد بکنند برای آن که بعضی ها میگویند که تجارت این را خریدارند و بآنها ضرر میرسد بعد از یکسال بکلی ضبط و ممنوع بکنند بعضی از آقایان دکترها اظهار میکردند که چون اشخاصی هستند که خیلی شدید مبتلای باین مسئله هستند و اگر ترک کنند شاید تلف شوند در جواب آنها هم عرض میکنم که این يك چیزی نیست که از انصافی بلاد بیاورند از تریاک بعمل می آید اگر کسی باشد که بتواند صبر بکند از شیرستان کشی و لابد شد بهر طرف این یعنی بدرجه برسد که اگر صرف نکند هلاک بشود آنوقت او میتواند شیرستان را تحصیل بکند بقدری که سد روق و باقایی حیوة خودش را بکند و تلف نشود و آنکه یکی جهت اشکال در این مسئله جمع بین دو چیز بود یکی ضبط و یکی فروش با باید ضبط و ائتلاف شود یا بفروش برود یکی از این دو کار باید بشود و در این لایحه جمع بین این کار شده است

**بهبخت** - بنده مخالفم بمانه ولی دلیلی دارم

که آقای امام فرمودند اگر اجازه بفرمایید عرض بکنم

**رئیس** - عرض میکنم که آقای امام مخالف بودند و حضرت عالی هم موافق با ایشان هستید پس باید يك موافق نطق بکنند آنوقت جناب عالی نطق بکنید

**حاج آقا**

این ماده چندین مرتبه به مجلس آمده و برگشته است به کمیسیون بنظرات مختلفی گاهی نظر در جهات شرعی اش مثل آقای دکتر علیخان و بعضی آقایان دیگر همه عقیده شان بود که اگر این ممنوع باشد هم بدل دارد هم بهتر میتواند موفق به تحصیل شود و آقای حاسی امام جمعه و آقای مدرس هم از جهت شرعی اشکالی داشتند ولی بعد از این چندین دفعه رفتن بکمیسیون تشریف آوردن آقای مدرس و گفتگو های زیاد تقریباً این ماده بطوری نوشته شده که هم جهات شرعی اش ملحوظ شد و این نظری که دولت در دفع این ماده مضره دارد تحصیل شده باشد خواهش میکنم از آقایانی که مذاکره میکنند از این جهت این دو نظرها از هم مجزا بکنند اگر از جهت شرعی اش می فرمایند اشکالی دارد آنرا بیان کنند گمان میکنم که از جهت شرعی اش ابتدا اشکالی باقی نمانده باشد و از جهت آن انحصاری که تقریباً باین تمیز گفته و نوشته شده است اما جهات طیبه اش آقای دکتر خودشان تشریف داشتند و چندین نفر از دکترهای دیگر بوده اند و مذاکره مفصلی در این خصوص شد این اولاً يك مطلب مسلمی نبود که شیرستان ببدل مسلمی داشته باشد بطوری که می توان از شیرستان نقل بتریاک کرد آن طوریکه مانظر داریم که بتریاک ترک شیرستان باشد این مسلم نبود و خیلی از دکترها تصدیق کردند که تریاک نه تواند جای شیرستان را بگیرد و بعضی ها که معتقد هستند خوف تلف است که اگر این کار را بکنید اشاعه این می شود تا حالا مکرراً گفته شد مگر تا بحال بيك وسيله ممانعت می شده است که حالا اسباب اشاعه آن فراهم بیاورد امروز در کمال آزادی هست بنده نمیدانم با اینکه حالا در کمال آزادی هست معترض را بحث کنیم ببحثش را بالاتر ببریم با يك مقداری فیمش را مأمورین دولت بالا ببرد این دلایل را بگوئیم اسباب اشاعه می شود و آزاد بودن و تجارت کردنش اسباب اشاعه نمی شود این خیلی چیز غریبی بنظر می آید در حال همانطوری که آقای حاجی آقا فرمودند که این ماده که برگشت بکمیسیون برای همان مسئله ترتیب شرعی بود آنرا در يك جلسه آقای امام کرده کردیم ختم شد بعد با آقای مدرس مذاکره کردیم و آن رئیس تعدید تریاک حاضر و توضیحاتی که داشتند در این ماده داده و ایشان هم همراه شده اند و بنده گمان میکنم مذاکراتی نداشته باشد و امروز يك مرتبه رای بنده بدون مذاکره یا رد میشود یا قبول می شود و بيك مدتی با ز برای این کار صرف نشود

**فهییم الملك**

انحصار و تضییع بکنند این هیچ ترتیب صحیحی نیست و تجویز منکرات است یعنی این را نشیند یعنی ساختن دولت و فرودختن می فرمایند حالا مشغولند این يك مسؤلیت نامشروعی است بنا نداشته است مأمورین بسنیم که بفرموده قانونی از را تجویز کنیم تا بت سمرقانی قانونی ندایم ابتدا بنده شان دولت پس صلاح مملکت را در این ماده می دانم

**حاج شیخ الرئیس** - بنده ناچار عرض کنم که در این موضوع بنده از دو جهت می توانم داخل شوم مگر آنکه از علم و ادیان بی اطلاع نیستم از علم ابدان هم و با کمال جدیت و اقلیت تصدیق می کنم برای آن نماینده محترم و آن دکتریکه و کپیل

مجلس شورای ملی است که آن خبایرا نکند که شیرستان تریاک عرض دارد واضح تر بگویم که بنده سی سال در مشهد مقدس افتخار داشتم و سکنی داشتم مرکز شیرستان کشی و تریاک کشی آنجاست جمعی را دیدم که از شیرستان منتقل کردند آن عادت مشوم و مذموم را بکشیدن تریاک یعنی ترک افسد را بفاسد کردند اگر نکوئید که فایده است عرض می کنم بدل شیرستان تریاک نکشیدن تریاک است بلکه خوردن کنایک است اینها یعنی بطور تصدیق بکنیم که معصومان بتوان شیرستان تبدیل کرد بشیرستان و معصومان صاحب وجدانی این تصدیق را نمی کنند که يك دولت قوی شوکت را متهم کند باینکه شیرستان می خورد و بکسانی که این عادت خبیثه را دارند بآنها شیرستان می فروشد این هم بیسته مثل این است که عادت کرده اند به الکلیات آنها را هم می توانیم بگوئیم این تجویز مسکرات و اشاعه منکرات پس دولت آنها را هم يك طوری انحصار و تضییع بکنند این هیچ ترتیب صحیحی نیست و تجویز منکرات است یعنی این را نشیند یعنی ساختن دولت و فرودختن می فرمایند حالا مشغولند این يك مسؤلیت نامشروعی است بنا نداشته است مأمورین بسنیم که بفرموده قانونی از را تجویز کنیم تا بت سمرقانی قانونی ندایم ابتدا بنده شان دولت پس صلاح مملکت را در این ماده می دانم

**فهییم الملك**

انحصار و تضییع بکنند این هیچ ترتیب صحیحی نیست و تجویز منکرات است یعنی این را نشیند یعنی ساختن دولت و فرودختن می فرمایند حالا مشغولند این يك مسؤلیت نامشروعی است بنا نداشته است مأمورین بسنیم که بفرموده قانونی از را تجویز کنیم تا بت سمرقانی قانونی ندایم ابتدا بنده شان دولت پس صلاح مملکت را در این ماده می دانم

**رئیس**

بنده گمان می کنم که مذاکرات در این باب کافی است برای اینکه دوسه مرتبه است که در این باب مذاکره شده حالا رای می گیریم به پیشین مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که موافقت دارند اینک مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

چون منتسب به بنده فرمودند عرض میکنم که يك کلامه که از جای خود برداشته شود و بجای دیگر گذاشته شود مطلبش فرق میکند سؤال و جواب بنده را فرمودند بنده هم عرض کردم و لکن کنجانبید بعد از وقت معین و این وقت معین مشکلات را رفع میکند و از جمله اش این است که ضرری متجاوز وارد نیاید از جمله اش این است که مقصدش شود از برای جلوگیری و کسی تلف نشود و در این ماده که فرمودند این وقت معین را اسقاط کرده و اگر این طور نسبت به بنده می دهند ابتدا اینطور تصویب کرده ام چون استنادش را به مجلس شورای ملی میدهند بدون این جمله به هیچ طور این مطلب صحیح نیست

**رئیس**

بنده مذاکرات را کافی میدانم اگر مانعی هست در باب عدم ختم مذاکرات رای می گیریم

**دکتر امیرخان**

اینجا آقای معبر فرمودند که بنده راییم بوده نه گویا شیرستان رسوخته رانمی توان بتریاک تبدیل کرد تجربیات طبی خیلی مشکل است در يك شخص معین که تجربه در او شد و موفقیت نشده بنده نمی توانم عرض کنم که حتماً نمیتوان این را قبول کرد که شیرستان را می توان به تریاک تبدیل کرد اینست که در این راییم عموماً نمی دهم و اقرار می کنم که هنوز تجربیات صحیحی نتوانسته ام بکنم که صریحاً عرض بکنم اما در مذاکره کمی شود عقیده بنده اینست برای اینکه سوخته یا شیرستان بکلی ترک شود در ایران بعد از چند سال خواهد شد یعنی آن وقتیکه بکلی تریاک را ما بتوایم از این مملکت ترک بکنیم اما وقتی اساس هست یعنی تریاک در مملکت هست اصل او هست همیشه سوخته و شیرستان خواهد بود يك ملاحظه نه هست ملاحظه حیات اشخاص مبتلا است که عادت دارند بتریاک و شیرستان بنده شخصاً نمی توانم در این باب رای بدهم مگر آنکه صرف نظر بکنیم از حیات اشخاص که عادت دارند این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است خیلی خوب است اولاً اینکه اسامی اشخاص را می نویسند این خودش بيك علتی میشود که این را ترک بکنند که يك کسی برود بگوید که من شیرستان کش هستم و این بيك اسبابی خواهد شد که رفته رفته خود آنها ترک خواهند کرد ولی عقیده بنده در ترک که بکلی ترک شود این شیرستان سوخته این نمیشود مگر اینک بکلی تریاک ترک بشود

**رئیس**

بنده گمان می کنم که مذاکرات در این باب کافی است برای اینکه دوسه مرتبه است که در این باب مذاکره شده حالا رای می گیریم به پیشین مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که موافقت دارند اینک مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس**

بنده گمان می کنم که مذاکرات در این باب کافی است برای اینکه دوسه مرتبه است که در این باب مذاکره شده حالا رای می گیریم به پیشین مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که موافقت دارند اینک مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس**

بنده گمان می کنم که مذاکرات در این باب کافی است برای اینکه دوسه مرتبه است که در این باب مذاکره شده حالا رای می گیریم به پیشین مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که موافقت دارند اینک مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس**

بنده گمان می کنم که مذاکرات در این باب کافی است برای اینکه دوسه مرتبه است که در این باب مذاکره شده حالا رای می گیریم به پیشین مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که موافقت دارند اینک مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**هشترودی** - بنده پیشنهادی کردم که بر کرد به کمیسیون چون این با ماده حسابی تناقض دارد

**رئیس**

پیشنهادی است رای می گیریم برای آنکه پیشنهاد در کمیسیون حق مقدم دارد که رای در خود مجلس گرفته شود

**فهییم الملك**

بنده اگر این ماده را رای می دهم بنده که به کمیسیون قوانین مالیه برگردد کمیسیون قوانین مالیه این را قبول نمایی کنند اگر برگردد به کمیسیون بکمیسیون دیگری ارجاع شود

**رئیس**

رای می گیریم در باب ارجاع به کمیسیون چون حق مقدم دارد آقایانیکه موافق هستند که این ماده دوم برگردد بکمیسیون قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

**رئیس**

ارجاع بکمیسیون رد شد حالا رای می گیریم بخود ماده باورده آقایانی که موافق هستند با زایوریت کمیسیون بطوری که در اینجا نوشته شده است و رفته سید و آقایانی که مخالف هستند ورقه ای خواهند ساخت

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

**معاذ الملك**

بنده حاضر (۷۶) ورقه سفید علامت قبول (۴۸) ورقه آبی علامت رد (۱) امتناع (۱۷)

تصویب شد - این جا لازم می دانم عرض کنم پیشنهادی آقای کاشف کرده بودند بنده چنین پیشنهادی را نمی توانم مطرح قرار بدهم بجهت این که راجع بپایه اول است و بآن ماده رأی گرفته شده است .

**رئیس الوزراء** - این عربی شخص خودم است عرض کردم وجه پرو گرام وزراء را عرض می کنم و معرفی میشود لایحه مزبوره را بقرار ذیل قرائت کردند .

خاطر نمایندگان محترم را بپدا کرات بعضی مطالب مهم جلب نموده اولاً از این حیث که در خیرخواهی ملت و مملکت و افتتاح مجلس شورای ملی بقدر قوه خدمتی از بنده تقدیم رسیده باین سید و هیچ اظهار نمی کنم چون مقصودم یاد آوری پاره مسائل مهمه است مذاکرات خود را مخصوص و منحصر به پیش آمدهای زمان بگذار افتتاح مجلس داشته عرض می کنم نمایندگان محترم هم شاهد و مستحضرند که این بنده بعضی افتتاح مجلس مقدس استعفاى جدی خود را تقدیم و معافی خود را از مداخله در امور دولتی با کمال اصرار و الحاح درخواست نمودم چون رحمت اقدس بنده ابتاعت هنوز قابل استفاده عرض می فرمودند درخواست بنده را رد و تصمیم بخدمت را مصراً تکلیف فرمودند بندهم که اجابت امر ملت را در هر حال از فریض میبشارم نیل سوده ناسازگار که با مشکلات موقع امکان مقاومت بود مساعی خود را در پیشرفت مصالح مملکت مصروف داشتم تا وقتی که همه وزارت رافوق طاعت و تحمل یافته تصدی خدمت را با مواج آورده او اسباب چینی هاى که همه می دانید و نمیخواهم تشریح کنم مخافت مصلحت مملکت دیده با صدی که از اول بکناره جوی داشتم از تصدی امور دولتی مستعفی شدم باینچون رحمت خود را در مقابل منظور و مقصودی فرارسانده بودم محض خیرخواهی و اینکه تصور تصور شود در عداد نمایندگان قیوم خدمت ملت نمودم امروز هم که مجدداً اظهار اعتماد اکثریت و امر و تکلیف والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دست عظمه بنده را بقبول خدمت دولت مصمم و مکلف داشتم از حسن ظنی که فرموده اند عرض تشکر می نمایم ولی چون مجدورات اولیه را امروز نیز شدیدتر و قوی تر مشاهده میکنم مخالف دیانت و انصاف می دانم مشکلات و مضاطراتی که البته مانع تقدیم وظیفه خواهد بود باستحضار خیر خواهان ملت فرسانیده و برای رفع مقاصد مملکت چاره جویی و کسب تکلیف می نمایم .

اولاً قبل از شروع بمطلب لازم می دانم خودم بشخصه این نکته را اعتراف کنم که بنده هیچوقت دایم قانون دانی نداشته و ندارم ولی اقرار باین نقص البته بنده را از عرض و چاره جویی معایب حسن مملکت معذور نخواهد داشت زیرا که درک حسن و فتح مجسرات امر طبیعی لبر هر کس ممکن و معقول است چنان که در تمام مجالس ملی عالم نیز هیچوقت قانون دانی شرط وکالت نبوده معذالك هر يك از نمایندگان ملت مأمور و موظف با اظهار عقاید خود راجع بمصالح مملکتی و حفظ آن هستند بنده

هم هر چه اظهار کنم راجع بتجربیات و محسوسات و از همین قبیل است چنانکه عرض شد در مجموع بتاریخ بعد از افتتاح پارلمان که بکنیم میتوان از امتیاز معتزمت ملت سؤال کرد که آیا در مسلیت اختلال اوضاع مملکتی وعدم یبشرف مقاصد دولت و مصالح ملت برای احدی شبهه باقی هست یا خیر در صورت عدم تردید جهات و دلایل آن چیست به نظر بنده که همیشه از نقطه محسوسات در امور ملاحظه می کنم عیب عدم ولعت اصلی از این راه است که منی و مفهوم دولت در همه جا عبارت از اختیار و قدرت است و در مملکت ما روزی مشروطه تاکنون این معنی را قافله فرموده اند و هر گونه قدرتی که در جمع آوری زمام امور مملکت برای دولت منظور و معمول است تاکنون از آنها مسلوب بوده تماماً منبت و بجهت آسایش ملت و دفع وسد اینهمه ظهورات غیر مترتب را که فوق العاده اسباب یأس و تنفر اهالی و از چار قنوب را از وضع حاضره فراهم داشته هیچگونه وسیله بدست دولت موجود نیست جهت آسایش گویا بالانحصار این است که چون محدود قوه مجریه از روی قوانین معین شده فها قوه مقننه در جزئیات امور داخل شده باین واسطه اختیاری برای قوه مجریه باقی نمانده و اوضاع کنونی بیش آمده است از یک طرف امنیت مملکت بقطعه منتهی شده است که در پایتخت دولت روز روشن علناً آدم کشی می کنند و چون هیچگونه مانع و دفاعی در مقابل موجود نیست در پیچید افراراد ملت خاصه متصدیان امور دولت ارسووه بر میوه خود مأمون و مطمئن نیستند سوء اثرات آنها در ولایات همین است که نگرانیات واصله امروزه با اطلاع و ولایه امور میرساند و حاجت بمرس و اظهار بنده نیست که انصاف این آثار کار مملکتی را بدجا خانه خواهد داد بی نظمی های ولایات نیز مشاهده میشود باین علت است که اغلب نقاط مهم مملکتی مدتها بی حاکم و بلا تکلیف مانده یا در عرض سال چندین حکومت عوض میشود و در جاهائی نیز که حاکم سوری وجود داشته کسی را بحکومت اهتتائی نبوده دولت را هم امکان ایصال قوه مقننه تصور نبوده است هر یک از نمایندگان وزارت خانهها در دوایره دولتی نیز که خود را شاخص و مستقن فرض کرده در کلیات و جزئیات وظایف حکومتی دخالت و اختلال داشته اند و باین جهت فها ولایات بی نظم امنیت عمومی متزلزل و عایدات دولت سوخت ولا وصول شده است نظام ادارات نیز طوری بواسطه خدمت بارتیهائی که داخل دوایر شده اند از هم گسسته که هیچ مادونی مطیع مانوق خود نیست هیچ امری مطابق اراده دولت و صلاح ملت جاری نمیشود و هیچ مادونی مستخدمی وظایف و حدود او را نمی توان نشان داد زیرا بعضی اظهار مقاله در سربا درج با پواسالی متشبث خواهد بود که اسباب اختلال نظام اداره بهر آن پیشتر و قوی تر از اول فراهم خواهد آمد در وزارت جنگ هم چون رشته تشکیلات قدیمی قشون از هم گسیخته و تشکیلات قوه جدید هم که اینهمه گنگوها در آن بوده نتیجه نداده است در عرض تنظیمات قشونی و تهیه اردوهای سیار و تدارک وسایل تأمینات مملکت و تنظیمات اطاعتها و از دیاد عده میز و سندی و تشکیلات

روی اوراق قناعت شده است و ضم مایه نیز که فرغ تنظیمات مملکتی است بواسطه فقدان فوا معلوم الحال است غالباً چیزی وصول نمیشود یا با فقرض هم وصول شود معلوم نیست بچه ترتیب گرفته میشود بجهت صرف میرسد از روی کدام بوجه مصوبه معامله و بالاخره در کجا فرق و نابود می شود وضع عدلیه هم واضح است که چه در مرکز چه در ولایات امیدواری و توجه اهالی را نسبت باین عدل و داد تاجه اندازه جلب کرده و انصافاً کمتر از ایجاد ادارات نیک اثر نداشته و هر دو برای آزرده گی خاطرها وسایل کافی بوده و از نتیجه که منظور بوده قطعاً تلف نخواهد داشت از موجبات امیدواری چیزی که نگفته باقی است ترتیب بعضی جرایم و مطبوعات است که باینکه وظیفه جرایم در ممالک مشروطه دعوت بانفاق و راهمنامی و مساعدت در مشکلات و حفظ رعایت روابط و مناسبات و تنظیم و توفیق دولت مشروطه و انواع محسنات و فواید دیگر است در اینجا بدینجهت و با کمال افسوس دیده می شود که از انصاف بزرگ با لایحه آزادی قلم حسن استعمال فرستادند که کامل بیدل نیامده از انصر فم دالبا اثر غیر منتظره بظهور رسیده و نتایج بالمکس مشهوره داده است البته خواهد فرمود که موافق قانون انصافات چرا جلو گیری نمی شود اولاً این قانون برای جلو گیری این مضرات کافی هست یا نیست بنده نمیدانم ولی اگر عرض از قانون حصول نتیجه است آنچه در این مدت بنده دیده می بینی این است که تاکنون نتیجه آن حاصل نشده دنیا بر فرض کمایت باید دید که رواج بازار آدم کشی و فتالی فرصت و اجابت بوزیر مطبوعات یا محاکم قضایی می دهد روزنامه مضری را توقیف پانویسده آنرا جلب و معا که نماید یا خیر ؟

در کابینه سابق که بنده یوم چندین دفعه اجرای قانون مطبوعات از وزیر علوم خواسته شد بواسطه همین معذورات امتدادر کرده تکلیف را بجا که عدلیه معول داشت چنانکه وزیر عدلیه سابق حاضر و سؤال و تعقیق آسان است بدعی الاموم اظهار شد او نیز با کمال وحشت تعاضی و راجع بمعصکه قضایی کرد و قطع نظر از اینکه بحال محاکم نیز در این مملکت معلوم است معذالك اگر هم فرض صلاحیتی در معصکه میشد از ترس قتل و تهدید قدرت حضار و محاکمه را موقتیت حاصل نمود گذشته از اینها از بدیهیات اولیه است مادامیکه تکلیف بیم و امید و پاداش و جزا در مملکتی موجود نباشد انتظار اصلاح مقاصد نیز از منتفات خواهد بود و البته ایفاء ملت تصدیق خواهند فرمود که این دور گزیر کین سیاست و مملکت داری از ابتدای دوره جدید تا امروز در مملکت ماتمروک مانده قانوناً هیچ خادمی نیاداش و هیچ چائی رقالتی قصاص رسیده حتی نسبت بیازمانه گان اشخاص نیز که در راه آزادی مشروطیت حیوة خود را نثار کرده اند در ایشمت توجه و نوازش نشده است . باین حال بنده مجدداً حاضر خدمت و فداکاری شده ام ولی میخواهم بدانم که با کدام قوه و اختیار اصلاح این مضرات و مشکلات و تهدید وظایف خدمت مقدور و مبسر خواهد بود و با الصراحه در عالم خیر خواهی

عرض میکنم که اگر اندکی نیز در این حال غفلت خود بانی باشیم شاید فرصت بسیار گرانبهائی را که بدست آمده حقیقتاً قدر آن خیلی محترم و موقتم است از دست داده دچار ندامت بزرگ جبران ناپذیری بشویم پس اگر حقیقه مقصود خدمت بمصالح مملکت است جز اینکه در تمام معروضات فوق انصی توجه و مساعدت از طرف مجلس مقدس میفول و نامدنی که رفع این معایب و محظورات ممکن است اختیارات لازمه در تنظیمات مملکتی بمتصدیان امور داده شود چاره دیگری بنظر نمیرسد بنده پروگرام خود را نوشته تقدیم داشته ام البته ملاحظه و حسن مساعدت خواهد شد و در اینکه بدون همراهی و بدون قدرت و اختیار نمید خدمت معال است تردیدی نیست ولی البته متشکر میشوم . مجلس مقدس باز دقت و توجه مخصوصی مبذول داشته اختیارات لازمه را بهر کس که از عدم سوء استعمال آن این و مطمئن هستند و واقعاً اعتماد قبی بخیر خواهی او دارند و اگر فرمایند که کلاً اقل فرصت بسیار موقتم و از غیر خواهان ملت و مملکت بقدر ندانی و غفلت خدا خواسته فوت نشود اینطور رامتتم شرمه نه تنها از مجلس مقدس بلکه از تمام قوای ملت حتی از عالم مطبوعات و غیر آن نیز در مقام وضی پرستی درخواست مساعدت کرده مستدیم جزئیات امور را نقطه نظر قرار نداده توجهات اصلی خود را بمصالح کلیه معطوف داشته پیر اندازه میسر و مقدر است همگی مساعدت و موافقت فرمایند که انشاء الله امور داخلی نظمو ترتیب یافته مشکلات معسرتر هم و اما ملت در اعلام بجهت و استقرار انتظامات حاصل گردد و چون ابتداء اقرار کردم که قانون نمایانم و از این بیانات و اظهارات هیچ منظوری بمقصودی جز خیر خواهی و خدمت ندارم مخصوصاً از آقایان مطمئن قانون نیز در موقتیت خدمت استعانت میکنم بقی است تمام زحماتی که اشخاص مطمئن تحصیل کرده بر خود رو داشته اند برای خدمت سوغ و تأیید و مساعدت بمل امروز مملکت بوده نهایت بضاعت و استطاعت بنده همین است که از جان و دل حاضر خدمت سوم پوشه ام از ایشانهم انما سو نمنا دارم مساعدت و همراهی بفرمایند همگی که اینهاست همین وطنیم امروز باینکه مهمرو موافقت قبی و معنوی بملت و مملکت و دولت خود خدمت کنیم و بناییدات الهی موقتیت حاصل نمایم معذولاً .

**رئیس الوزراء آقای معتمد السلطنه بفرموده**  
پروگرام و رزرا قرائت فرمائید .

آقای علاه السلطنه وزیر فواید عامه و معارف - آقای مستشار الدوله وزیر داخله - آقای ممتاز الدوله وزیر مالیه - آقای معاون الدوله وزیر تجارت بانضمام بست و تلگراف - آقای مشیر الدوله وزیر عدلیه - آقای حاج معتمد السلطنه که خودشان سوابق دارند - بنده هم وزیر جنگ موقتی هستم .

( آقای وزیر امور خارجه پروگرام مزبور را بترتیب ذیل قرائت نمودند )  
ملاحظه اوضاع امروزه مملکت بغویی مدال می دارد که تا در سبک اداره دولت تغییر واضحی داده نشود و حسن جریان امور بطور کامل منظور نظر کارکنان دولت نباشد از حیث امور مملکتی هیچ نوع موقتیتی نایل نمی توان شد شرط اهم حصول این مقصود حفظ قدرت لازمه است که ملت برای تأمین مصالح خود بهیئت دولت میسازد ، از آنجائی

که این قدرت تاکنون بطور کافی اعمال نشده است فتوری بانتظام امور راه یافته که آن بآن در تزیید و آتیه مملکت و تهدید می نماید در عمل و اسباب این حال نا گوار که تمیق شود برای جلوگیری آن از اتخاذ وسایل چهار گانه ذیل ناگزیر خواهیم بود .  
۱ - رفع مواد فساد و ترور ریسیم و یعنی دفع مواد مخالف مشروطیت و مغفل آسایش بلاد و اهالی و مانع حسن جریان امور دولت این بلای مملکت و ایران کن امروز سلامت مملکت را بمخاطره انداخته و همان آزادی پر نیت را که باین همه صعوبات بدست آمده شدت متزلزل ساخته است چون بالفعل قوانین لازمه وضع نشده و مسلم است باقوانینی که هر کس در خیال تصور می کند نمی توان دولت را اداره نمود . و نظر باینکه سلامت مملکت اول اساس تمام قوانین است لهذا هیئت دولت بامستولیت فوق العاده که در مقابل خدا و خلق برعهده دارد برای دفع مواد مزبوره بای نحو اختیار تام می خواهد .

۲ - اعمال مجازات در موارد جنحه و جنایات و تفصیرات .  
۳ - تأمین انتظامات اداره و حفظ اصول اطاعت در میان طبقات مأمورین و اجزای ادارات دولت خصوصاً در نظام بوسیله مجازات اداره .

۴ - اجرای قانون مطبوعات آزادی جرایم از اصول اولیه مشروطه است لکن بعضی از جرایم تا کنون بسوء استعمال این نعمت غالباً مصلحت مملکتی و مقتضیات وقت را اختلال و جنبیت دولت را در داخل و خارج تشویع کرده اند و برای عصر بملت معظورانیکه در موارد ارجاع بمعاکم عدلیه تصادم تصادم می کردند در اجرای قانون مطبوعات متوقف بوده اند علیهذا برای کابینه اختیاری لازم است که با اصلاح معاکم عدلیه هر گاه جرایم از حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمعاکم اداره مجری دارد در صورتی که نماینده کان معترم بامقدمه فونالد که موافقت کامله داشته باشند پروگرام ذیل بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود و چون باخطراتی که در این عریز را تهدید می کنند فقط محض فداکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهتر از آن می دانم که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد لهذا هر آنکه تصویب مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود اشغال مستند وزارت را خیانت دانسته و استعفاى خود را تقدیم خواهم کرد .

( پروگرام )  
۱ - اتخاذ وسایل لازم برای تکبیل امنیت .  
۲ - تشکیل اردوهای سیار و ساختلو در نقاط لازمه مطابق لایحه و بوجه که بمجلس پیشنهاد شده است .  
۳ - حفظ و تشدید روابط حسنه بادل متعابه .  
۴ - تعقیب استقراضی که کابینه سابق بمجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه گذشته است .  
۵ - پیشنهاد بقیه بوده کل .  
۶ - شروع به اصلاحات مالیه بامستغدمین خارجه .  
۷ - تجدید نظر در مالیات نیک معض رفع معایب

و مشکلاتی که از این مالیات بردولت و اهالی حاصل شده است .  
۸ - تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک لواج قوانین موقتی در مواردیکه هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از مجرای خود نیست لواج مزبوره فقط بصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید .  
بقای این هیئت تا وقتی است که شورای دولت دایر بشود .

۹ - اصلاح عدلیه با تدارک ترتیبات مقدماتی که لواج آترا وزیر عدلیه موافق ماده ۸ این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهند کرد .  
۱۰ - اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی بقدر اجرای پروگرام معاهد در کلیه مدارس تاسیس مدرسه دارالعلومین در تهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد

۱۱ - توجه بامر تجارت کدرا تانم قانون شرکت ها پیشنهاد لایحه قانون اطفاهای تجارائی .  
۱۲ - پیشنهاد اصلاح قانون بلندی ( محدودولی )  
**وزیر داخله** - در چنین موقع مشکلی نبود این مأموریت از قبیل حوادثی است که بر بنده و رفقای بنده وارد می شود در پیشرانی این سانحه وقتی که با سیاب و مشکلات و مواج و مقتضیات تمیق شود انصاف خواهد داد که فداکاری هفت نفر هم نمر هم در بد باشد بتهنائی دعایت نخواهد کرد نه این مشکلات از پیش برداشته شود البته لازم است از روی یک چیزی فوق العاده عموم ملت متادم سبب اهمیتان از این نایبه نفر مرده اند با انصافات آهه هر می داشته باشند برمی آنکه هیئت مجلس و کابینه با هم باشند باید از یکدیگر اطلاع داشته باشند تا کون می توان گفت که بین مصلحت عدله که اساس حکومت ملی است بصورت کلی رعایت شده است بسا شده است که قانون در طرفی مانده است و مصلحت مملکتی در طرفی گاهی مجلس شورای ملی بتهنائی تار کرده است و افکار ملت و احتیاجات مملکت در جاده دیگر کار کرده است که کابینه غالباً تصور کرده است که با کتبای پارام مشکلات موفق نتوانند که رفع اختلافات نمایند نتیجه این شده است که مقتضیات مملکت و احتیاجات ملت قوانین موضوعه خود ملت و مجلس و کابینه از هم دور افتاده است و حال آنکه در زیر پرده سخا اگر دو مصلحت خوابیده باشد در هزار نهمت و ناروا بیدار شده است و مسامی و اعمال در تلاطم اقران مستهلك مانده است بنده باحالت حالیه ابدأ طرفدار کتبای و پرده پوشی نیستم و یقین دارم که ققائ بندهم در این عقیده با بنده شریکند از که می خواهیم مطلبی را مخفی بداریم گویا بر احدی پوشیده نباشد که تمامی خفایای امور ما بر آنها مشهود است سهل است با ذمه بینمای بسیار قوی به امداق معایب ما همیشه توجه میکنند و می نگرند و نتایجی که از آن باید تولید بشود می بینیم اگر از خودی می خواهیم مخفی بداریم خودی که کملت باشد صاحب اختیار مملکت است این خانه مشترک است